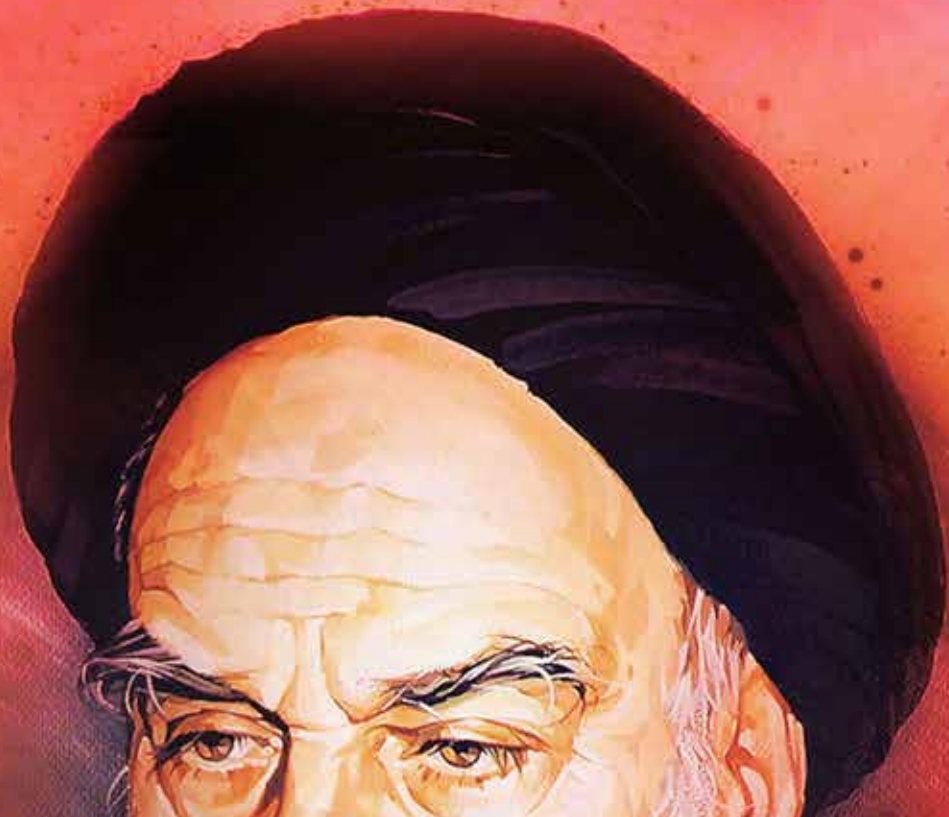


نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

www.afsaran.ir

سال دوم - شماره هجدهم

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳



**ولایت؛ بدون سانسور
مدیران فرهنگی با فرهنگ انقلابی
به تو زنگ نزن!!!**

غرب وحشی

تحقیر سازمان ها و بخشنامه ها توسط جوانان

مصاحبه با مدیر shia-art.ir

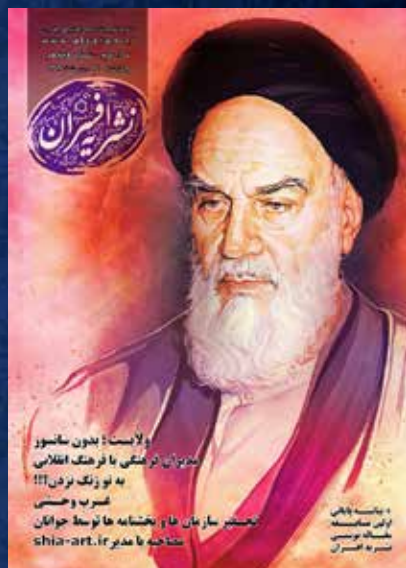
**+ بیانیه پایانی
اولین مسابقه
مقاله نویسی
نشریه افسران**



دلنوشته ای از:
sepehra

برای حضرت باران

این اردیبهشت هم کوله بارش را بست و بی آمدن تو رفت ...
حرفهای تشنه کامی ام در خلوت تنهایی روزگاران پوسید ...
از پس نیامدی تا بگویمت دردهای بی شمارم را ...
اینجا اسماعیل مان بخوان؛ تا در بزم ابراهیمی تو به قربانگاه شویم...
و در پای تو سر و جان فدا کنیم...
از این اندوه خشک کویر چشم ها، به که باید پناه برد؟
دیربست حرف هایم را می خورم و از غم تو،
نگاهم رو به آسمان است و بغضم لبریز از سکوتی دردآلود...
آه که چقدر خوب است باشی و من بگویم دوستت دارم،
تا نباشی، و من در بی تویی ها، دوستت داشته باشم...
اصل دوست داشتن، در حضور تو برجاست...
اما، دوست داشتنت پس از ظهور، چیز دیگریست...
اشک، شوق چشم است...
و باران، شاید شوق آسمان...
ابرهای آسمان، مشتاقی فرو آمدن توست...
و عمق دیده های من در انتظار شوقی دگر باره...
هر کدام ببارند...
دل من و آسمان می رسد به اوج...
همیشه شوق دارد چشمانم - برای روزی که ، باران ببارد...
دل من می خواهد،
تو باشی و
آنگاه،
هوای دل، بشود دلخواه...



سردبیر Baran

همکاران این شماره Arezou

Afsarejavan

Azadandish

Ghalandar

Hamase

Hamidehvb

Hamima

Mahdiyar85

Mim.Z

Matinemami

Montazere0313

Ostadnovin

Parvaz77

Radiomighat

Sepehra

Setia

Shiaart

Shieh110

Yarjaoon

نویسندگان افتخاری Fanous

Miandisham

Peimane

Salman56

گروه طراحی Miladps3

Shiaart

Nahaq

رایانامه: nashrie_afsaran@mihanmail.ir

وبلاگ : nashriye-afsaran.mihanblog.com

فهرست

- ۲ برای حضرت باران
- ۴ سرمقاله
- ۵ کلام امام
- ۶ مقاومت؛ ایستادن یا پیشروی؟
- ۷ پیام نما: کلید حل مشکلات کشور
- ۸ روایتی از شیخ دیپلمات چه کسانی را عصبانی کرد؟
- ۱۰ جناح فرهنگی مومن
- ۱۱ دلواپسی ما فرزندان فرهنگ و ازگان شماس
- ۱۲ ولایت بدون سانسور
- ۱۴ غرب وحشی
- ۱۶ جریان شناسی رسانه های فارسی زبان
- ۱۷ مدیران فرهنگی با فرهنگ انقلابی
- ۱۸ به تو زنگ نزدن؟
- ۱۹ روزی میرسد که این روزها به تاریخ می پیوندد
- ۲۰ تحقیر سازمانها و بخشنامه ها توسط جوانان
- ۲۱ امر به معروف و نهی از منکر (۲)
- ۲۲ کلیپ های تصویری
- ۲۳ فتح خون
- ۲۵ خاکیان افلاکی
- ۲۶ وصیتنامه یک شهید
- ۲۷ قیام ۱۵ خرداد
- ۲۸ داستان لغو امتیاز تنباکو
- ۲۹ کلیپ های صوتی
- ۳۰ صفحه تولیدات طنز افسران
- ۳۱ اخبار افسران
- ۳۳ مصاحبه با کاربران
- ۳۷ احکام
- ۳۸ بعثت نمایش عشق خدا به انسان
- ۳۹ اینفوگرافی ۷ شاخص نبوی از نظر رهبر
- ۳۹ زندگیگانه امام هادی علیه السلام
- ۴۰ اشعار افسرانی
- ۴۱ برگی از بهشت
- ۴۲ دلنوشته

امیرالمومنین علیه السلام فرمود:

«فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فَإِنِّي حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ ذَا مَشَقَّةٍ شَدِيدَةٍ وَمَذَاقَةٍ مَرِيْرَةٍ»

اگر از من اطاعت کنید، من شما را به بهشت می‌رسانم اگرچه این کار برای شما، بسیار دشوار و بسیار سخت و تلخ است (نهج البلاغه - خطبه ۱۵۶)

مردم جهان در برهه های زمانی گوناگون روشهای براندازانه گوناگونی را در مقابل حکومت ها و دولتها تجربه کرده اند. ادبیات مسلحانه و براندازی سخت پس از فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ کم کم جای خود را به روش های نرم و فروپاشی سیاسی و اجتماعی داد.

با وقوع انقلاب اسلامی و استقرار نظام مبتنی بر ولایت فقیه در ایران که دارای ریشه های عمیق تاریخی و اعتقادی ایرانیان است، دشمنی و معارضة با ولایت فقیه به یک اصل در سیاست نظام استکبار تبدیل شد. این سیاست با توجه به اقتضائات زمان، شکل های متفاوتی از خود نشان داده و رفته رفته پخته تر شده است.

تا قبل از فتنه ۱۳۸۸ تمام هدف بر روی زدن اصل ولایت فقیه متمرکز بود اما با درخشش سیمای ناشناخته شخص امام خامنه ای و ناکام نهادن طرح پیچیده دشمن در این فتنه، هدفگذاری نظام سلطه از اصل ولایت فقیه به شخص ولی فقیه تغییر یافت. در طرح ستیز با ولایت فقیه که روی اصل ولایت و شخصیت و شخص ولی فقیه متمرکز شده است این اهداف دنبال میشود: تشکیک در اصل ولایت فقیه و مشروعیت زدایی از آن، زیر سوال بردن شخصیت حقوقی ولی فقیه، اعتبارزدایی از شخص ولی فقیه و القای عدم اعتماد جامعه به ایشان.

در مقابل تمام تلاش های دشمنان خارجی و داخلی برای ناکارآمد جلوه دادن این نظام، ولی فقیه توانسته است بین مراکز قدرت در نظام جمهوری اسلامی توازن برقرار کند و مانع از حاکمیت مطلق یک جریان خاص و انسداد سیاسی و تک صدایی شود. ولی فقیه در کنار اداره جامعه و مقابله با هجمه های وسیع استکبار به حقوق ملت، همچنان در حال بازتعریف جایگاه ولایت و امامت و آماده سازی افکار برای عصر آرمانی تمدن اسلامی است.

اصلی ترین عنصر شکل گیری تمدن اسلامی نوع نظام و رهبری جامعه است که با سایر حکومت های مادی تفاوت اساسی دارد. هدف اصلی در این حاکمیت آرمانی با توجه به جهان بینی توحیدی آن و نگاه آن به مبدا و معاد که اعتقاد به جهان پس از مرگ و زندگی ابدی در آن دارد، رساندن انسان به سعادت اخروی است.

رهبر فرزانه انقلاب با شجاعت، وظایف رهبر جامعه را با توجه به کلام معصومین علیهم السلام اینگونه بیان می کنند که در حکومت اسلامی که برگرفته از تعالیم اسلام ناب شیعی است، امام جامعه جز خیرخواهی برای توده ملتها و تلاش برای سعادت آنان چیزی نمی خواهد و اطاعت از او صرفاً برای عاقبت بخیر شدن خود مردم است.

«فرق حاکم اسلامی با حاکم دیگر در همین است: حاکم اسلامی میخواهد کاری کند که مردم به بهشت برسند؛ به سعادت حقیقی و اخروی و عقابانی برسند؛ [لذا] راهها را باید هموار کند. اینجا بحث زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحث کمک کردن است. فطرت انسانها متمایل به سعادت است، ما باید راه را باز کنیم؛ ما باید کار را تسهیل کنیم برای مردم تا بتوانند خودشان را به بهشت برسانند؛ این وظیفه ای ما است» (بیانات ۱۳۹۳/۲/۲۳)

ایشان تاکید می کنند که حتی تلاش برای بهبود معیشت مردم نیز برای رساندن آنان به بهشت است زیرا فقر، انسان را به فساد و کفر می کشاند. آباد کردن دنیا و رسیدن به قله های مادی یکی از اهداف جامعه اسلامی است ولی همه هدف آن نیست. «اگر زندگی ما در دنیا زندگی خوبی باشد، اما لحظه ای مرگ ما لحظه ای بدبختی و روسیاهی ما باشد، چه فایده دارد؟» (بیانات ۱۳۹۳/۲/۲۳)

داشتن چنین دیدگاهی نسبت به امام جامعه و باور به تفاوت او با سایر حاکمان دنیاطلب و شناخت درست نسبت به اعمال و افکار او می تواند آینده ای روشن را برای جامعه رقم بزند و تمام تلاش های دشمنان خارجی و داخلی را برای رسیدن به اهداف مستکبرانه یا بوالهوسانه که نتیجه ای جز تحقیر و نابودی برای ملت ما ندارد، ناکام بگذارد.

شاید عمل به خواسته و امر رهبر برای مردم سخت باشد ولی طبق فرموده حضرت علی علیه السلام اطاعت از این امر سخت و تلخ، آنان را به نیکوترین سرانجام خواهد رساند. اینهمه فداکاری که توسط شهیدان از صدر اسلام صورت گرفت نه برای دنیا که برای رسیدن به سعادت آخرت بود. یادمان باشد در روزگاری زندگی می کنیم که از نعمت حضور و ظهور امام معصوم علیه السلام محروم هستیم و تا از امتحانات الهی سربلند بیرون نیاییم و اطاعت از ولی امر را ثابت نکنیم از نعمت ظهور بهره مند نخواهیم شد.

نگذاریم که در دفاع از جایگاه امامت، امام جامعه تنها بماند

«لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَئِنْ تَكُنْ أَمْتًا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَكُونَ كَافِرًا وَلَا إِيمَانُهَا خَيْرًا قَلَّ أَنْتَظِرُوا لِيَوْمَ تَنْظُرُونَ»

«ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاوردند یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت.

بگو انتظار بکشید ما هم انتظار می‌کشیم.» (قرآن کریم - سوره انعام - آیه ۱۵۸)



کَلِمَاتُ امّاتِ جَلِيلَةٍ

«عزم ملی و مدیریت جهادی» در سال ۹۳ به عنوان شعار مطرح می شود، اما این چیزی نیست که مربوط به سال ۹۳ باشد؛ این هویت ما است، این حیثیت ما است، این آینده ی ما است، این ترسیم کننده ی سرنوشت ما است.

اگر عزم ملی بود، اگر مدیریت جهادی بود، اقتصاد هم پیشرفت می کند، فرهنگ هم پیشرفت می کند؛ و ملتی که اقتصاد پیشرفته داشته باشد و فرهنگ پیشرفته داشته باشد، در اوج قرار می گیرد و تحقیر نمی شود.

ما را قبل از انقلاب دهها سال تحقیر کردند؛ ملت ایران با این سابقه، با این تمدن کهن، با اینهمه میراث فرهنگی عمیق، با این همه دانشمند در رشته های مختلف در طول تاریخ، کارش به جایی رسید که حاکمان این ملت برای کارهای اساسی کشور باید [کسانی را] می فرستادند سفارت انگلیس و سفارت آمریکا، از سفیر انگلیس و سفیر آمریکا اجازه می گرفتند؛ تحقیر یک ملت بیشتر از این؟

آن روزی که در اروپا و غرب از دانش خبری نبود، آن روزی که جهل به معنای واقعی کلمه بر آن کشورها حاکم بود، ایران، فارابی ها و ابن سینا ها و محمد بن زکریای رازی ها و شیخ طوسی ها و این شخصیت های عظیم را به دنیا عرضه کرده است؛ این میراث ما است، این گذشته ی ما است، ما نباید تحقیر می شدیم؛ ما نباید اجازه میدادیم که قدرتهای غارتگر جهانی بیایند اقتصاد ما را در دست بگیرند، نفت ما را ببرند، منابع ما را تصرف بکنند، از لحاظ سیاسی و اجتماعی هم ملت ما را تحقیر بکنند؛ اما این اتفاق افتاد.

اگر ملت ایران بخواهد جایگاه شایسته ی خود را پیدا بکند، این جایگاه تعریف شده است. من مکرر گفته ام، ملت ما باید به جایی برسد که دانش پژوهان عالم، برای اینکه به قله های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند؛ این یک جایگاه تعریف شده است. ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد. اگر بخواهیم به این جایگاه تعریف شده دست پیدا بکنیم، راه آن این است که از دانش، از هوش، از قدرت تحرک بالا، از قدرت ابتکار و از عزم راسخ در همه ی بخشها استفاده کنیم و بهره بگیریم. باید اقتصاد را بالا آورد، و بالا آمدن اقتصاد بدون رشد فرهنگی، نه ممکن است، نه مفید؛ فرهنگ هم بایستی تعالی پیدا کند، ترقی پیدا کند. بنابراین شعار امسال، شعار زندگی ما است، شعار همیشگی ما است.



مقاومت؛ ایستادن یا پیشروی؟!

یکی از مفاهیم مهمی که به برکت انقلاب اسلامی و گفتمان ناب آن، وارد فضای ادبیات سیاسی کشورمان، منطقه و حتی جهان شده است، مفهوم «مقاومت» است. درک درست از این مفهوم، بمنظور بکارگیری هرچه بهتر آن در مناش سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... نیازمند تبیین صحیح آن و جلوگیری از تحریف مفهومی آن است.

«مقاومت» را در لغت می توان معادل تعبیری مانند «پایداری»، «ایستادگی» و... دانست. این ترجمان نه چندان کامل، تحت شرایطی، ممکن است موجب سوء برداشتی از مفهوم مقاومت شود و معنای آن را به شکلی ابتر منتقل کند. و آن این است که ممکن است به اشتباه، در اذهان واژه ی «مقاومت» با مضامینی چون ایستادن در یک نقطه و صرفاً دفاع کردن، در جا زدن و تحمل سختی و مصیبت، منفعل بودن و همواره در موضع واکنش بودن و تعبیر این چنینی همراه شود. که از نظر نگارنده این مسئله نه تنها صحیح نیست بلکه ظلمی است در حق این مفهوم بلند و ژرف. آن چیزی که از گفتمان انقلاب فهمیده می شود و در موارد متعددی تجربه شده است، این است که مقاومت الگویی است که در آن بر اصول پافشاری شده و در عین حال با پیشروی و حمله به سمت جلو، از مبانی دفاع می شود. چپه ی مقاومت اهل دفاع است اما چپه ی منفعل صرفاً واکنش دهنده به تعرضات طرف مقابل نیست بلکه بهترین دفاع را «حمله» دانسته و برای صیانت از داشته های خود، بر داشته ها متوقف نشده و به سوی جلو حرکت می کند.

تجربه سی و چندساله ی انقلاب اسلامی نمونه های زیادی از به منحصه ی ظهور رسیدن این ویژگی «مقاومت» را به عینه دیده است.

هشت سال دفاع مقدس در برابر یک تجاوز تمام عیار خارجی را می توان نمونه ای از الگوی پیشرفت در سایه ی مقاومت دانست. فتوحات شگرف رزمندگان در عملیات های مختلف و حتی پیشروی ها در خاک کشور متجاوز، آن هم در شرایط نابرابر جنگی از لحاظ تجهیزات و حمایت های خارجی، و نهایتاً پیروزی

افتخارآمیز در این نبرد، با شعار و با تبعیت از الگوی «مقاومت» بوده است. اما مقاومتی که نه از آن پیام انفعال و ناتوانی منتقل می شود و نه اینکه فقط خیر از دفاع کردن و واکنش دادن است، بلکه مقاومتی که رنگ و بوی موفقیت، پیشروی و حرکت روبه جلو دارد.

عرصه ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز نمونه ی قابل ذکر دیگری است. در این عرصه هم هر کجا خطوط جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به هم نزدیک و بر هم منطبق شده اند، رگه های پیشرفت در سایه ی مقاومت نمودار بوده است.

بعنوان نمونه میتوان پرونده ی هسته ای ایران را که در طول سالیان اخیر به موضوع دعوای میان انقلاب اسلامی و غرب تبدیل شده، میدان بروز و ظهور این صفت مشخصه ی «مقاومت»، یعنی «پیشرفت در سایه ی مقاومت» دانست.

هشت سال دفاع مقدس در برابر یک تجاوز تمام عیار خارجی را می توان نمونه ای از الگوی پیشرفت در سایه ی مقاومت دانست. فتوحات شگرف رزمندگان در عملیات های مختلف و حتی پیشروی ها در خاک کشور متجاوز، آن هم در شرایط نابرابر جنگی از لحاظ تجهیزات و حمایت های خارجی، و نهایتاً پیروزی افتخار آمیز در این نبرد، با شعار و با تبعیت از الگوی «مقاومت» بوده است

تجربه ی رویکرد های مختلف در کش و قوس ماجراهای این پرونده ی حساس در عرصه ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مقایسه ی ویژگی ها و نتایج هریک از این رویکردها به وضوح مسئله را روشن می سازد.

تاریخ نشان داد و می دهد که نتیجه ی رویکرد به اصطلاح تنش زدا و غریبه با مفهوم مقاومت چیزی جز توقف،

درجا زدن و حتی عقب نشینی نبوده است. یعنی رویکردی که در آن مقاومت وجود ندارد برخلاف باور غلط عده ای، نه تنها عزت و سرافرازی و المان های معنوی این چنینی در آن دیده نمیشود که پیشرفت و کامیابی مادی ای هم به دنبال ندارد.

اما از آن طرف تجربه ی چندساله ی رویکرد مقاومت محور در مسئله ی هسته ای، علاوه بر در برداشتن مضامین بلندی چون اقتدار و عزت ملی و... در میدان عمل و عرصه فنی مسئله هم همراه با پیشرفت و موفقیت مادی بوده است.

مسئله ای که اخیراً مورد اعتراف دشمنان انقلاب هم قرار گرفته است. با این مضمون که «ایرانی ها همزمان با مذاکرات قبلی (رویکرد مقاومت محور)، برنامه هسته ای خود را جلو می برند اما حالا (رویکرد تنش زدا) پس از ده سال توانسته ایم آنرا متوقف کنیم!» خلاصه کلام اینکه در ادبیات سیاسی گفتمان انقلاب، مفهوم «مقاومت»

نه فقط همراه با مضامینی چون «پایداری بر سر اصول برای صیانت از عزت و اقتدار» که متضمن پیروزی ها و کامیابی های مادی است. مقاومت نه تنها از داشته ها محافظت می کند که برای رسیدن به خواسته ها هم پیشروی می کند. مقاومت اگرچه «دفاع» است اما از جنس حمله و دارای رویکردی تهاجمی است. این رویکرد لازمه و حتی می توان گفت تنها راه پیشرفت حقیقی است که وجود جوهره ی آن در هر عرصه ای می تواند پیشرفت در آن عرصه را نوید دهد. یک روز در جنگ سخت حماسه دفاع مقدس را می سازد، یک روز در عرصه ی علمی می تواند پیشرفت ها و دستاوردهای هسته ای را رقم بزند و در عرصه ی دیپلماسی از آن دستاوردها صیانت کند و حتی این جوهره یک روز می تواند وارد پیکره ی اقتصاد شود و «اقتصاد مقاومتی» را بسازد.

«مقاومت» نه فقط مایه ی مباحثات و عزت و نه تنها متضمن حفظ داشته ها، که «رمز پیشرفت»، پیروزی و کامیابی است. «مقاومت»؛ ایستادن به معنی توقف نیست، مقاومت، «پیشروی» است.

نویسنده: mahdiyar85



«کلید حل مشکلات کشور، بهره‌برداری خردمندانه از امکانات داخلی و ظرفیت درون‌زای کشور است. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم»

امام خامنه‌ای در دیدار با هیئت دولت ۱۳۹۲/۰۶/۰۶



برای دانلود اینفوگرافی در اندازه بزرگ از لینک زیر استفاده نمایید:
http://farsi.khamenei.ir/ndata/news/26327/Khamenei.ir_26327_B.zip



دیدن آنها می تواند برای خیلی ها جالب توجه باشد. اما گویا این اشارات که موجب آشنایی بیشتر طیفی از هواداران رئیس جمهور فعلی ، بخصوص جوانان با ایشان می شود ، با منافع سیاسی برخی در تضاد بوده و در نتیجه به کام شان تلخ آمده است.

اما بُعد دیگر ماجرا چهره ی دیپلماتیک دکتر روحانی یا همان شیخ «دیپلمات» است.

اشاره به حضور و نقش آفرینی دکتر روحانی در ماجرای «ایران گیت» شاید جنجال برانگیز ترین بخش این مستند بوده باشد.

حضور غیر رسمی دیپلمات های امریکایی (با پاسپورت های ایرلندی) در ایران که در ظاهر در قالب درخواست مذاکره و معامله با سران ایرانی بر سر آزادی گروگان های امریکایی در لبنان در عوض فروش سلاح به ایران در سال های جنگ اتفاق افتاد.

ریگان رئیس جمهور وقت امریکا که بعدها هدف اصلی این سفر را «برقراری رابطه مناسب با رهبران احتمالی آینده ایران» قلمداد می کند ، مشاور عالی امنیت ملی خود ، رابرت مک فارلین ، را به همراه یک انجیل امضا شده و یک کیبک به شکل «کلید» و با نماد کلید قفل گشای روابط ایران و آمریکا ، به ملاقات مقامات بلندپایه ایران می فرستد اما با مدیریت حضرت امام و با امتناع مسئولان عالی ایران از دیدار مخفیانه ی این چنینی با امریکایی ها ، افتضاحی برای وی و حزب سیاسی اش در امریکا به بار می آید تا جایی که مک فارلین دیپلمات ناکام این ماجرا دست به خودکشی می زند و ویلیام کیسی ، رئیس وقت سازمان سیا ، در حالیکه در جلسه دادگاه، مشغول ادای توضیحات درباره رسوایی ایران گیت بود، دچار سکت مغزی شده و جان خود را از دست می دهد. *

دیدار امریکایی ها با سران نظام محقق نمی شود اما با مدیریت هاشمی رفسنجانی ، رئیس وقت مجلس ، مذاکراتی در تهران انجام می شود. در خاطرات هاشمی آمده است:

روایتی از شیخ دیپلمات چه کسانی را عصبانی کرد؟

تولد در خانواده ای مذهبی ، علاقه به تحصیل حوزوی ، حضور فعال در نهضت انقلاب اسلامی از همان سال های ابتدایی ، سخنرانی های تبلیغی و سیاسی خط امام خمینی (ره) پیش از انقلاب ، سخنرانی انقلابی و تاریخی ایشان در مراسم ختم حاج آقا مصطفی خمینی در مسجد ارک ، فعالیت های سیاسی و انقلابی ایشان بعد از انقلاب اسلامی نظیر کمک به سامان دهی ارتش (مثلا اجرای طرح اجباری کردن حجاب برای کارکنان زن ارتش) و... مواردی بود که به تصویر کشیده شد. مواردی که از سوی اطرافیان امروز رئیس جمهور کمتر به آن اشاره شده بود و شاید همین پرداختن به این مسائل بوده است که خوشایند عده ای نبوده و موجب این حملات شده است.

اشاره به رأی مخالف حسن روحانی ، نماینده مجلس ، به نخست وزیري مجدد میرحسین موسوی و یا نمایش قسمتی از یک مناظره در اوایل انقلاب که حسن روحانی در آن «روحانیت و سپاه» را نهادهای انقلابی این سرزمین می خواند و یا نقش برجسته ی دکتر روحانی در کنترل آشوب های سال ۷۸ با دستور به ورود بسیج به قائله و همچنین سخنرانی ایشان در راهپیمایی ۲۳ تیر ۷۸ (که می توان آن روز را «۹ دی آشوب های اغتشاشگران که «این ها پست تر از آن هستند که برانداز نام گیرند» ، همه و همه برش هایی از تاریخ زندگی سیاسی رئیس جمهور فعلی کشورمان بود که شنیدن و

دی ماه سال گذشته بود که مستند «من روحانی هستم» ، ساخته گروه رسانه ای شفق ، را که برای اولین بار در تلویزیون اینترنتی آرمان (شبکه اجتماعی افسران) اکران می شد ، به اتفاق دوستان و با حضور (مجازی) خود کارگردان مستند مشاهده کردیم و در همان پخش زنده ی مستند بازخور مثبت و تقدیر و تشکرهای خود را به ایشان و عوامل این مستند تقدیم کردیم.

جنجال های رسانه ای این روزها در روزنامه ها و سایت های زنجیره ای به اصطلاح حامی دولت علیه این مستند و همراهی رسانه های معاند خارجی با آنها و همچنین موضع گیری های همراه با «رنگ پریدگی سیاسی» بعضی از مسئولین ، باعث شد دوباره مستند را بینم و لازم بدانم نکاتی را درباره آن عرض کنم.

این مستند برخلاف آنچه که ادعا می شود نه به تخریب رئیس جمهور می پردازد و نه حتی نقدی به افکار و افعال وی وارد می کند بلکه صرفاً زندگی سیاسی ایشان را روایت می کند. روایتی که از دو جنبه خوشایند عده ای نبوده که عرض خواهم کرد.

از نظر حقیق در این مستند ، به شکلی نسبتاً مطلوب ، تصویری از دو بُعد زندگی سیاسی دکتر روحانی ارائه میدهد.

«شیخ دیپلمات» لقبی است که دکتر روحانی با آن شناخته می شود و بنظرم ارائه ی تصویری از دو وجه «شیخ» و «دیپلمات» بودن دکتر روحانی در این مستند موجب موفقیت این اثر و در نتیجه سنگ پراکنی و موضع گیری ها علیه آن شده است.

پرداختن به زوایایی از زندگی دکتر روحانی و مواضع و سوابق انقلابی ایشان ، وجه اول شخصیت سیاسی ایشان و یا به تعبیری ، «شیخ» بودن ایشان است که قابل توجه بود و بنظرم دلیل عمده ی بخشی از هجمه ها از سوی برخی رسانه های اطلاع طلب حامی دولت به این مستند ، نه گلایه به انتقادی بودن این مستند ، که ناخشنودی این رسانه ها از بیان این بعد زندگی سیاسی رئیس جمهور ، که کمتر به آن پرداخته شده ، بوده است.



روایتی از شیخ دیپلمات چه کسانی را عصبانی کرد؟

نامطلوب مذاکرات هسته ای دوران اصلاحات و تعلیق را به ذهن متبادر می کند.

چیزی که در این مستند به نمایش در آمد چهره ی شیخی با سوابق انقلابی بود که نه تنها همراهی ای با فتنه گران ندارد که علیه آنها موضع می گیرد و نمایش این چهره از دکتر روحانی در شرایط فعلی کشور که جماعتی از فتنه گران به اقدام دکتر روحانی در کسوت رئیس جمهور در رفع حصر از سران فتنه امیدوارند، خوشایند آنها و رسانه های شان نبود

حال با توجه به حضور ایشان در کسوت رئیس جمهور در شرایط فعلی و شرایط خاص و خطیر کشور در عرصه بین الملل و مذاکرات هسته ای، نگرانی هایی ها را در میان دوستان انقلاب و کشور بوجود آورده که پرداختن این مستند به این جنبه را در قالب همین نگرانی می توان تفسیر کرد و همچنین واکنش ها و حمله ها به آن را، دفاع از این نگاه در سیاست خارجی دانست.

نگرانی ای به حق که خطر پیوند خوردن «کلید» شیرینی رئیس جمهور آمریکا در دهه ی ۶۰ که با هدف رابطه گرفتن با رهبران آینده ایران هدیه فرستاده شده بود، با «کلید» بنفش دیپلمات آن روزها و رئیس جمهور فعلی ایران را احساس می کند و با دغدغه ای پاک و انقلابی و بر مبنای منافع ملی این خطر را هشدار می دهد.

در پایان لازم به ذکر است که اگرچه جناح فرهنگی مؤمن و جوانان انقلابی ای که بصورت خودجوش در حال جهاد فرهنگی است از کسی توقع تشکر و حمایت مادی ندارد و به امید لبخند رهبر خود در حال تلاش است، اما از مسئولین محترم هم انتظار می رود حداقل سدی در راه این قبیل مجاهدت ها نبوده و با اظهار نظر ها و اقدامات خود عرصه را بر این جوانان تنگ نکنند.

یادمان باشد که هدف می بایست «تقویت جناح فرهنگی مؤمن» باشد.

نویسنده: mahdiyar85
لینک افسران: ۵۸۲۱۷۷

روحانی و جناب هاشمی در این مسئله هم به نمایش در می آید.

و نهایتاً مهم ترین قضیه ی عمر سیاسی و دیپلماتیک دکتر روحانی که در این مستند به آن پرداخته می شود، مسئله ی مذاکرات هسته ای و عهدنامه ی سعد آباد و در نتیجه ی آن تعلیق صنعت هسته ای کشورمان است.

مذاکراتی که اروپایی ها با گستاخی و فریبکاری تمام در تهران طرف ایرانی را



پای توافقنامه ای می نشانند که نتیجه ی آن «تعلیق همه جانبه به تفسیر غربی» است. نکته مورد بحث برای این مستند امضا کننده و تعهد دهنده ی ایرانی، یعنی شیخ دیپلمات، دکتر حسن روحانی، است.

در کل از نظر حقیر آن چیزی که در این مستند به نمایش در آمد اولاً چهره ی شیخی با سوابق انقلابی بود که نه تنها همراهی ای با فتنه گران ندارد که علیه آنها موضع می گیرد و نمایش این چهره از دکتر روحانی در شرایط فعلی کشور که جماعتی از فتنه گران به اقدام دکتر روحانی در کسوت رئیس جمهور در رفع حصر از سران فتنه امیدوارند، خوشایند این جماعت و رسانه های شان نبوده فلذا بروز این حمله ها طبیعی بنظر میرسد.

در ثانی، بُعد دیگر شخصیت سیاسی دکتر روحانی چهره دیپلماتیک ایشان و نگاه مبنی بر صلح طلبی و تنش زدایی و یا به تعبیری سازش طلبی ایشان در عرصه سیاست خارجی است. نگاهی که در مواجهه ی با قدرت های غیرقابل اعتماد، حق ناپذیر و زورگوی نظام سلطه، نتیجه ای جز شکست ندارد کما اینکه این نگاه تجربه ی

«قرار شد هدیه را نپذیریم و ملاقات ندهیم و مذاکره را در سطح دکتر هادی و دکتر روحانی و مهدی نژاد مخفی نگهداریم [مذاکرات] محدود به مساله گروگانهای آمریکای در لبنان و دادن قطعات هاک و چند قلم دیگر اسلحه [باشد]. آنها بیشتر خواهان مذاکره در مسائل کلی و سیاسی اند.»

اگرچه روایت های امریکایی ها از نقش و موضع گیری های حسن روحانی در این مذاکرات بیش از این هاست و بعنوان نمونه مک فارلین بعد ها می گوید:

«ما از تمایل (روحانی)... صحبت ها، مصمم بودن، و بیان آگاهانه ی راه ممکن برای روابط همراه با همکاری پایدار، اعتقاد دارم بالاخره یک مقام ایرانی مناسب را یافته ایم، و این خوب است.» و همچنین امریکایی ها مدعی هستند روحانی به آنها گفته است: «روابط مان تاریک است. بسیار بد است. شاید دوست نداشته باشید بشنوید ولی صراحتاً باید به شما بگویم. ایرانی ها، افراد تندی هستند.» وی هشدار داد که مراقب باشند: «به عنوان یک دولت، نمی خواهیم فردا سرنگون شویم. می خواهیم بر سر قدرت بمانیم و مشکلات فیما بین را حل کنیم.» *

اما در مستند «من روحانی هستم» فقط به خاطرات خود دکتر روحانی و جناب هاشمی استناد شده است.

مذاکرات و معاملات محرمانه با امریکایی ها در جریان ایران گیت، با مدیریت جناب هاشمی و با اجرای دکتر روحانی را شاید بتوان نقطه ی عطفی در وجهه ی دیپلماتیک شیخ دیپلمات، دکتر حسن روحانی، برشمرد.

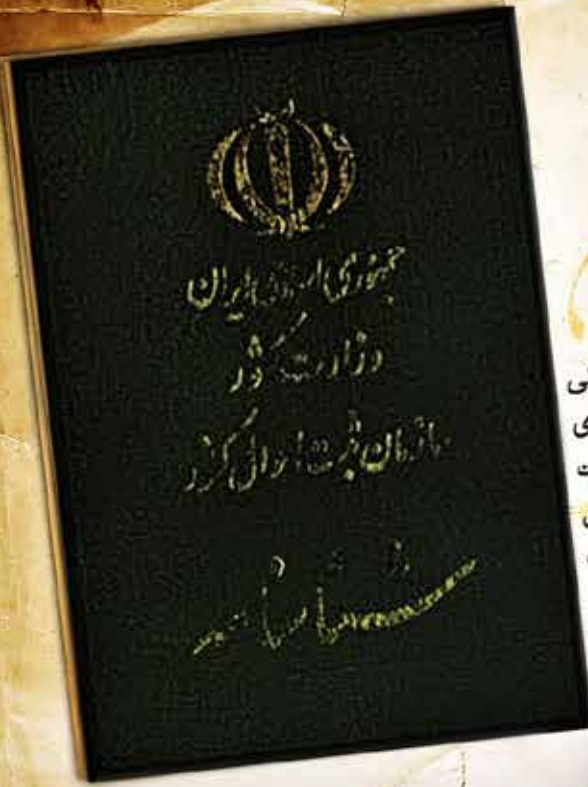
تشکیل جلساتی تحت عنوان «مجمع عقلا» در مجلس و طرح و برنامه ریزی برای پایان دادن به جنگ از سوی دکتر روحانی و جمعی از نمایندگان مجلس و گلایه ی محسن رضایی فرمانده وقت سپاه که در جبهه ها و درگیر جنگ بوده است، از این مسئله و نامه وی به امام، مسئله ی دیگری است که در مستند به آن اشاره می شود و وجهه ی صلح طلبانه ی دیپلماتیک دکتر



مرکز انقلابی امر از جناح فرهنگی مؤمن

اساس این ایستادگی
این حرکت و در نهایت ان شاء الله پیروزی
بر حفظ فرهنگ اسلامی و انقلابی است
و تقویت جناح فرهنگی مؤمن
تقویت این نهال هایی که روییده است
در عرصه فرهنگی

سید علی
امیر دانشی
۱۳۸۳



در این چند ماهی که از عمر دولت تدبیرا و امید می گذرد ، سوای از برخورد های امنیتی و چکشی با برخی منتقدین ، و یا آثار انتقادی نسبت به دولت که شاهد آن بودیم ، یک تلاش از سوی رئیس جمهور در تصویرسازی خاصی از منتقدان خود ، قابل تأمل و تأسف برانگیز است.

به نظر میرسد رئیس جمهور محترم سعی دارد تصویری از منتقدان خود در ذهن مخاطبان و بخصوص حامیان خود شکل دهد که به کمک آن بتواند بجای پاسخ دادن به انتقاد ها ، با زیر سؤال بردن صاحبان این انتقاد ها ، حقانیت خود را ثابت کند.

در این تصویر سازی دو نما از منتقدین ارائه می شود. اول اینکه جناب رئیس جمهور هر وقت می خواهد از منتقدان خود سخن بگوید ، چهره ی مبارک را در هم ریخته و با حالت تحقیر آمیز و موهنی ، سعی دارد با الفاظ خود منتقدان را جماعتی «معدود» و در اقلیت ، «بی سواد» ، «افراطی» و... جلوه دهند.

و دوم اینکه رئیس جمهور سعی میکند منتقدان خود را رقبای سیاسی و جناحی خود معرفی کند و حتی آنها کاسبان تحریم بشمارد که اکنون از رفع تحریم ها ناراضی اند و منتقد به دولت و نهایتاً در نتیجه ی این تعریف ها ، نقدها و مخالفت ها را در قالب دعوای سیاسی و نه از جنس امر به معروف و نهی از منکر و از روی خیرخواهی تفسیر کند و در نتیجه با مغرض شمردن منتقدان خود ، نقد آنها را زیر سؤال ببرد.

تعبیر «یک عده کم سواد که از جای خاص تغذیه می شوند» و یا تعبیر جدید ایشان در «شناسنامه ی حزبی خواستن» از منتقدان را در همین قالب می توان تفسیر کرد.

«ما از همه می خواهیم که با شناسنامه حرف بزنند و بگویند از کجا هستند و وابسته به کدام جناح هستند و با نام جناح خود سخن بگویند نه با نام ملت ایران.»

اما در واقع چهره ی واقعی کسانی که جناب رئیس جمهور این کاریکاتور را از آنها می کشد ، چیست؟! این جمع معدود بی سواد افراطی که تحت لوای یک حزب سیاسی خاص بوده و از منابع خاصی تغذیه می شوند ، چه کسانی هستند؟! اگر بخواهیم برای این جماعت شناسنامه ای ارائه دهیم و جناحی مشخص کنیم ، باید نام آنها را چه بگذاریم و در کدام دسته قرارشان دهیم؟!

وقتی از روی واقع بینی و نه با عینک بدبینانه ی رئیس جمهور به صحنه می نگریم ، بدنه اصلی منتقدان دولت را جوانانی می یابیم که بیش از آنکه شبیه به کاریکاتور ساخته ی رئیس جمهور باشند ، در دایره تعریف رهبر انقلاب از «جناح فرهنگی مؤمن» و «جوانان انقلابی» می گنجند.

«اساس این ایستادگی، این حرکت و در نهایت ان شاء الله پیروزی، بر حفظ فرهنگ اسلامی و انقلابی است و تقویت جناح فرهنگی مؤمن، تقویت این نهالهایی که روییده است در عرصه ی فرهنگ...»

جوانانی که معدود نیستند اما اساساً معدود بودن یا نبودن برایشان مهم نیست و اصالت ندارد ، در حد خودشان هم ، سواد و از آن مهم تر توان فهم مسائل روز را دارند و از هیچ جایی هم تغذیه نمی شوند.

سیاسی هستند و از آن سر در می آورند اما اهل حزب و باند و باند بازی سیاسی نیستند. اصلاً از اساس فرهنگی هستند و اگر به سیاست هم وارد می شوند هدفشان انجام کار فرهنگی در دنیای سیاست است.

با این تعریف می توان نام «جوانان انقلابی» را در شناسنامه ی این جماعت نگاشت و جناحی را هم برای شان تعریف کرد تا شاید جناب رئیس جمهور هم با آنها بهتر آشنا شود و حرفشان را بشنود. «جناح فرهنگی مؤمن»!

«واقعاً باید قدر جوانان مؤمن و انقلابی را همه بدانند، همه؛ این جوانان مؤمن و انقلابی اند که روز خطر سینه سپر میکنند، هشت سال جنگ تحمیلی میروند توی میدان؛ اینها هستند. افرادی که نسبت به این جوانها با چشم بدبینی نگاه میکنند یا مردم را بدبین میکنند خدمت نمیکند به کشور؛ به استقلال کشور، به پیشرفت کشور، به انقلاب اسلامی خدمت نمیکند.

این جوانها را باید حفظ کرد، باید از اینها قدردانی کرد، امروز هم بحمدالله کم نیستند و زیادند. [آباد] با عناوین گوناگونی بخواهیم این جوانهای مؤمن را طرد کنیم و منزوی کنیم؛ که البته منزوی هم نمیشوند؛ آن جوانهای مؤمن پراگیزه، با این حرفها منزوی نمیشوند اینها؛ لکن خب، ما باید قدر اینها را بدانیم.»



شماره ۱۳۸۳
چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۳





دلواپسی ما فرزند فرهنگ واژگان شماست

طی ۹ ماهی که از سخنرانی های متعدد انتخاباتی و پس از انتخاباتی رئیس جمهور می گذرد، تقریباً هیچ سخنرانی نبوده است که ایشان از اهمیت مذاکره و آشتی با دنیا و دلیل این الزام سخن نرانده باشد که در این گفتمان، برخی نکات خیلی برجسته و مهم به نظر می رسند، مسلماً این مطلب در رد مذاکره و یا توافق ژنو نوشته نمی شود، بلکه تنها در خصوص گفتمان جناب رئیس جمهور در خصوص مذاکره تقدیم می گردد:

فرض جناب رئیس جمهور مشخصاً این است که ما با دنیا قهر بودیم و حتی جنگ داشته ایم و اینک ایشان فرشته وار، قصد برقراری صلح و آشتی دارند، اما به راستی این برداشت صحیح است؟! آیا گروه غیرمتمهد ها (با نزدیک به ۲۰۰ کشور)، که همواره با حمایت قاطع خود بر حقوق ایران صحنه گذاشته اند، جزء دنیا محسوب نمی شوند؟! آیا منظور رئیس جمهور از دنیا، کشورهای معدود استکباری و دارای حق وتو هستند که عاملان تحریم های به قول خودشان ظالمانه نیز هستند؟! آیا دنیا یعنی حکومت های جائز و یا برای ملت ها هم در این دنیای بزرگ باید جایگاهی قائل بود؟! آیا بهتر نیست از عبارت دنیا در خصوص این چند کشور ظالم استفاده نشود؟! اصلاً اگر این تحریم ها ظالمانه بوده اند و لابد وضع کنندگان شان ظالم و ماهر مظلوم، پس عبارت آشتی این

وسط چه حکمی ایفا می کنند؟! یعنی ما به ظلمی که به ما شده است راضی شویم و جلوی بیشترش را بگیریم؟! و یا قرار است حتی که به زور از دست ما گرفته اند را با لبخند از ایشان بازستانیم؟! یا این که می خواهیم این ظلم را به صورت حساب شده و برنامه ریزی شده مشروعیت ببخشیم و سند منگوله دار برایش صادر کنیم؟!

آیا این ظلم فقط در بحث هسته ای بوده است که با بحث هسته ای هم حل بشود؟! آیا مکیدن چندده ساله نفت، سرمایه و عزت این کشور در زمان ستمشاهی جزء ظلم به ما تلقی نمی شود؟! آیا به راه انداختن جنگ تحمیلی و حمایت تمام عیار از صدام و به خاک و خون کشیدن جوانان ناز این کشور و تضییع سرمایه های ایران مصداق ظلم نیست؟! آیا این همه حمایت همه جانبه از گروه های تروریستی که مسفولان و اندیشمندان رده بالای کشور را کشته اند ظلم نیست؟!

به راستی من نمی توانم بین نشستن هفتگی و بهتر بگویم روزانه بر سر سفره ی شهدا و خانواده های معصوم شان و نشستن پای میز مذاکره و آشتی با قاتلان ایشان یک جمع منطقی برقرار کنم!

آیا همین شهید مطهری که همین چندروز پیش جناب روحانی از ایشان تجلیل کردند به دست همین دهنشنان شهید نشد؟! آیا همانطوری که شهادت شهید مطهری را بهانه ای برای هجمه به افراطی ها! (شما بخوانید، استاد مصباح

که به قول مقام معظم رهبری، مطهری زمان هستند و البته جناب هاشمی ایشان را دشمن ترین می دانند) قرار می دهند، نباید بهانه ای برای فریادی بر خصم دون خارجی هم باشد؟! آیا حمله به هواپیمای مسافربری و بلوکه کردن سرمایه های ایران و هزاران خصومت دیگر، این ها جزء ظلم ها نبودند؟! آیا برای تک تک این ظلم ها قرار است با آمریکا و غرب بنشینیم تا قبول کنند که با ما آشتی کنند؟!

به راستی من نمی توانم بین نشستن هفتگی و یا بهتر بگویم روزانه بر سر سفره شهدا و خانواده های معصوم شان و نشستن پای میز مذاکره و آشتی با قاتلان ایشان

یک جمع منطقی برقرار کنم! گویا جناب روحانی، مشکل ما و این چند کشور صاحب نفوذ را در بحث هسته ای خلاصه می بینند، گویا ایشان تنها عامل و یا عامل اصلی تحریم های ظالمانه را بحث انرژی هسته ای می دانند و حال این که بحث تحریم های ما از بدو شروع انقلاب وجود داشته است و تنها بهانه های آن عوض می شده است و حتی همین الان هم که قرار بوده تحریم هسته ای افزایش نیابد، دوباره بهانه های قدیمی مانند حقوق بشر (شما بخوانید حقوق هم جنسبازان و فتنه گران) و توان موشکی ایران (شما بخوانید توان بازدارندگی و دفاعی) در دستور کار تحریم ها قرار گرفته است.

به راستی آیا شخصی که با توجه به حضورش در مدیریت چپه و جنگ، نه از سرهنگان کم دارد و به واسطه ی تحصیلش در رشته ی حقوق، نه از حقوق دانان، از روند جنگ، ترورها، تحریم ها، تهدیدها، کودتاها و ... متوجه نمی شود که خصومت استکبار جهانی با ایران نه بعد از توان هسته ای که دقیقاً از شب انقلاب شروع شده است؟! آیا جناب



دلواپسی ما فرزند فرهنگ وازگان شماست

رئیس جمهور از زمان شروع دشمنی ها متوجه دلیل دشمنی ها که همان اصل و اساس انقلاب است نمی شود؟! و آیا قرار است سنگر به سنگر استقلال را با توقف پیشرفت هسته ای، امنیت را با کاهش توان موشکی، اخلاق را با به رسمیت شناختن حقوق همجنسبازان، فرهنگ را با تسلیم در برابر تهاجم فرهنگی و اقتصاد را با نگاه مدام به دست خارجی و آرمان ها را با دست کشیدن از حزب الله و سوریه واگذار کنیم؟! و یا بالاخره قرار است در نقطه ای از درخواست های شان سرباز بزنیم و در همان نقطه دوباره با تحریم های جدید روبه رو شویم؟!

نکته ی برجسته ی دیگری که در سخنان رئیس جمهور بسیار برجسته است، این که ایشان رفع تحریم ها را عامل رفع مشکلات کشور تلقی می کند، عامل رفع مشکلات کالایی، دارویی، خودرویی، هواپیمایی و ...؛ اگر چه ما هم رفع تحریم ها را راحت ترین راه برای رفع این مشکلات می دانیم، اما چند سوال حیاتی داریم، آیا در عین وابستگی و اظهار عجز و لایه می توان دل دشمن را به دست آورد که تحریم ها را بردارد؟! آیا دشمن ما در برابر کشورهای ضعیف، جز تکه ای استخوان به بهای دم تکان دادن ابدی، لقمه ای عزتمندانه ای قائل شده است تا برای ما بشود؟! آیا برای پایان دادن تحریم ها می توان او را به تأثیرگذاری تحریم ها و تسلیم پذیری مان امیدوار کرد؟! آیا نباید برای خسته کردن دشمن از تحریم ها، هزینه ی تحریم ها را بالا برد؟! آیا نباید برای کاهش هزینه ی تحریم ها توان داخلی را تقویت کرد؟! و آیا نباید برای کاهش هزینه ی تحریم ها در بخش نفت و واردات، به اقتصاد شفاف و غیرنفتی مبتنی بر مالیات و تولید گام نهاد؟! اصولاً آیا این که مدام مسئولان ما فریاد می زنند و با صدای بلند سعی می کنند تحریم ها را موفق و عامل بدبختی و بیچارگی ما معرفی کنند، می تواند گزینه ای برای مذاکرات برد-برد روی میز باقی بگذارد؟!

ایراد دیگری که در گفتمان رئیس جمهور نگران کننده است، برجسب زنی ایشان است، این که منتقدان بی سواده بی ارزش، افراطی، متحجر، بی اطلاع از

مسائل جهان و منطقه و بی شناسانامه (البته تا امروز) تعریف می شوند، این که منتقد، فرصت طلب و منتفع از تحریم ها نمایش داده می شود، این که منتقدان از مشکلات درمانی و دارویی مردم اطلاع ندارند و خیلی حرف های دیگر آیا صحیح است؟!

و حال این که اولاً بسیاری از منتقدان از سطح سواد بالای دانشگاهی برخوردارند و هم به لحاظ سلامت اقتصادی نه کمرستی در پرونده دارند و نه استات اوپلی و نه اختلاسی و رانتی، و این که این منتقدان نه تنها بی دارویی را درک کرده اند، بلکه فرزند و شوهر و دوست و هم‌زمشان را تقدیم کرده اند و از دادن جان خود و فرزندانشان هم دریغ ندارند.

ایراد دیگری که در گفتمان رئیس جمهور نگران کننده است، برجسب زنی ایشان است، این که منتقدان بی سواده، بی ارزش، افراطی، متحجر، بی اطلاع از مسائل جهان و منطقه و بی شناسانامه (البته تا امروز) تعریف می شوند، این که منتقد، فرصت طلب و منتفع از تحریم ها نمایش داده می شود، این که منتقدان از مشکلات درمانی و دارویی مردم اطلاع ندارند و خیلی حرف های دیگر آیا صحیح است؟!

اصلاً فرض کنیم تمام این برجسب ها فیت تن منتقدان، پس این منتقدان باسواده شناسنامه دار، مطلع از اوضاع جهان و منطقه، پاک، ضد تحریم و ... چرا از توافقات دولت دفاع جانانه نمی کنند؟! چرا ایشان دعوت رئیس دولت را لیبک نمی گویند؟! و یا شاید هم بنا به

تصور دولت، ساکتان مدافع و راضی اند و به همین دلیل تمایل دارند منتقدان هم ساکت شوند تا راضی به نظر آیند؟! اصلاً به نظر من ساکتان هم نگرانند، از یک طرف تحریک به سخن راندن شان می کنند و از یک طرف آنها که سخن گفته اند را مورد هتک حرمت قرار می دهند و این یعنی دولت تنها یک سه راهی سخت برای شان قائل شده است، یا سکوت کنند و هردفعه با سرکوفت های رئیس جمهور مواجه شوند و یا به تمجید و تعریف دهان باز کنند و یا با کمترین انتقادی آمده ی مشت آهنین باشند.

مسئله ی دیگری که در سخنان رئیس جمهور در خصوص مذاکره وجود دارد، عدم تعیین خطوط قرمز و حساسیت های ایران است، ایشان در عین حال که همواره و در هر جا فریاد می زند که ما اهل مذاکره ایم و می خواهیم مذاکره کنیم، ولی در عین حال روی خطوط قرمز تأکیدی ندارند، ایشان می توانند به راحتی برای رفع نگرانی های مردم لاقفل روی عزت، کرامت، شرف، استقلال و حیثیت ما تأکید نمایند و لاقفل در برابر خط و نشان کشیدن دشمنان، جمله ای یا حتی کلمه ای عزت مندانه و جسورانه بگویند و لاقفل در برابر تحقیرهایی که به مردم ما می شود، مسئولان دوباره به ایشان عزت را بازگردانند، به راستی آیا این اعتدال است که مسئولان ما در برابر دشمنان قسم خورده خارجی آغوش آشتی دارند و در برابر منتقدان قانونی و انقلابی کشور، اخم و خط و نشان؟! و هرروز خط قرمز انتقاد را تنگتر و تنگتر نمایند؟! آیا این رفتار مسئولان باعث نمی شود تا هر انسان دلسوز و غیرتمندی از عدم شناخت دوست و دشمن توسط دولت نگران شود؟! آیا پاسخ دلسوزی های منتقدان داخلی را باید شخص رئیس جمهور با مشت آهنین بدهد و پاسخ خصومت های دشمنان خارجی را سرکار خانم افخم با دعوت و خواهش؟! به نظرمی رسد اهتمام دولت پیش از مذاکره و رسیدن نتیجه با دشمنان خارجی به سرکوب منتقدان داخلی متمرکز شده است، آیا این مسئله نگران کننده نیست؟! آیا نباید دلواپس شد؟!



تولیدات شبکه اجتماعی افسران

این مآرب نفسانی و هواهای نفسانی سرچشمه تمام مفاسدی است که در عالم هست؛ این مفاسدی که دنیا را به آتش زده است و دنیا در آتش، از دست آنها می‌سوزد.

لابد اخیراً شنیده‌اید که رئیس جمهور آمریکا گفته است که کشور ایران یا رژیم ایران وحشی هستند. اگر مقصود از «وحشی» این است که رام نیستند در مقابل آن چیزهایی که شما می‌خواهید، گاو شیرده نیستند، این را شما اسمش را وحشی می‌گذارید، بگذارید. و اگر واقعاً «وحشی» به آن معنایی است که شما به خیالتان است که گفته‌اند، می‌گویید، بی حساب دارید حرف می‌زنید.

وحشی آن است که نمی‌گذارد مردم، زورمندها به او تعدی کنند یا وحشی آن است که می‌خواهد تعدی کند؟

بی حساب نباید صحبت کرد. شما چنانچه رفتارندوم کنید بین ملت‌های دنیا، که امروز وحشی ترین رژیمها کی است، من گمانم این است که بین ملت‌ها اگر اتفاق آرا نباشد، اکثریت قاطع هست که آمریکا؛ آن کسی که از آن‌ور دنیا می‌آید به این‌ور دنیا و تهدید می‌کند که من چه می‌کنم و چه می‌کنم، این وحشی است یا آن که می‌گوید: بابا، بگذارید ما سر جای خودمان، در کشور خودمان آزاد باشیم؟ در منطق آنها، وحشی این است که رام آنها نباشد؛ چنانچه تروریسم هم آن است که تابع آنها نباشد. و لهندا، دیدید که عراق را تا آن وقتی که رام نبود برای آمریکا، در [اردیف] تروریستها حساب کردند. همچو که رام شد، او را از لیست تروریستها از بین بردند.

آن وقت به جای او دیگری را گذاشتند. بی حساب انسان اگر حساب کند، این طوری است. وقتی که سر خود انسان بخواهد مسائل را بگوید، این است که رؤسای جمهور دنیا الّا معدودی از آنها فکر می‌کنند که هرکس که مصالح ما را در نظر گرفت و هرکس که گاو شیرده ما شد، این وحشی نیست! و اما آنکه سر کشی کرد از این فرمان، این وحشی است! این منطق امثال ریگان است. و شما باید، ملت‌های ضعیف باید این منطق را بگویند.

روی این منطق است که دارند عالم را می‌چاپند، دارند مظلومین را زیر پا له می‌کنند. اگر یک قدری سستی کنید، له می‌شوید.

اینهایی که می‌گویند باید سازش کرد، اینها می‌فهمند که ما اگر سازش کنیم، له می‌شویم. اینها راضی‌اند به اینکه سازش بشود.

اینها می‌گویند مطیع باشید، هرچه ما گفتیم عمل کنید، خودتان دیگر قدغن است که فکر کنید، فکر خودتان را باید غلاف کنید.

آنها می‌خواهند که آرامش حاصل بشود در دنیا. آرامش وقتی حاصل می‌شود پیش آنها، که همه تابع باشند. ملتها باید به فکر باشند، ملت ایران باید به فکر باشد، اگر لحظه‌ای سستی کند تا ابد له است





مرور کوتاهی بر تاریخچه ی نسل کشی سرخ پوستان این کشور نشان دهنده ی جنایات فجیع صورت گرفته علیه آنها و همچنین شاهی بر نقض گسترده حقوق بشر از سوی این مدعیان دروغین است. در واقع موضوع حقوق بشر دستمایه ای برای سران کاخ سفید به منظور اعمال فشار بر کشور های نا همسو با سیاست های کشور آمریکا است. کشتار انسانها هر کجا که منافع آمریکایی ها را تامین کند مبارزه با تروریسم نامیده می شود و هروقت که لازم باشد در امور دیگر کشور ها دخالت کنند و بر علیه آنها جنگ روانی راه بیندازند حقوق بشر خوانده می شود.

ریچارد درینون در کتاب تحلیل گونه خود «نگهبان اردوگاه های نسل کشی» اقدامات و رفتارهای نژادپرستانه سفید پوست ها را در اردوگاه های نسل کشی مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار داده و چنین نوشته است: در سال ۱۸۷۰ ژنرال (جرج کلارک) بخش های وسیعی از سرزمین های سرخ پوستان را که امروزه ایالات اوهایو، اندیانا و الینویز نامیده می شوند مورد حمله قرار داد. در این تهاجم افزون بر تلف شدن پانصد هکتار از مزارع ذرت، باغ های میوه و سبزیجات، اطراف شهرهای سرخ پوست نشین «شیلپکوت» و «پیکا» هموار شدند. در این شهرها قوم شاوونی سکونت داشت. ژنرال «آنتونی وین» که دوست و دشمن او را سگ هر صدا می زدند ، خاطراتش از آن حمله را چنین بیان می کند: «سه شبانه روز را در اطراف رودخانه مومی گذرانیم. در این مدت خانه ها و روستاها را بر سر سرخ پوستان خراب کردیم و مزارع ذرتشان را که تا افق گسترده بود از بین بردیم. همچنان که مزارع ذرت دیگری به طول ۵۰ مایل را در اطراف رودخانه آتش زدیم»

مترجم آمریکایی جان اسمیت می گوید: «سربازان همه چیز سرخ پوستان را غارت کردند، جمجمه آنان را شکستند و پوست و مغز سرشان را بیرون آوردند. با سلاح سرد پیکرهای زنان را پاره کردند. کودکان را مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار دادند، با قنداق تفنگ بر سر آنان کوبیدند و مغزشان را متلاشی کردند. بدترین صحنه ای را که در عرم دیده ام تکه پاره کردن پیکرهای زنان باردار و کشتن نوزادان دو و سه ماهه بود. یک روز بعد که به این شکارگاه سر زدم دیدم که پوست سر و آبخس هایی از بدن ا کشته شدگان را بریده بودند.»

اوج وحشیگری در ابداع یک صنعت عجیب توسط آمریکایی ها در سالی که کشتار ساندریک روی داد، این ابتکار به ذهن یکی از شکارچیان ارواح رسید که از پوست ابدن ا مردان سرخ پوست کیسه برای بسته بندی توتون بسازد. این اندیشه شیطانی که از علاقه و ابتکار شخصی یک شکارچی ناشی شده بود به مرور زمان به یک صنعت رایج تبدیل شد.

صنعت گران بسته بندی تنباکو، سپس این کیسه های بسته بندی را به شکل «سبیل کلفت یک انسان» که نشانگر اشرافیت استعمارگران است درآوردند. آمریکایی ها نیز هنگام شرکت در مناسبت های شاد و جشن های ملی این بسته ها را خریداری و به دوستانشان هدیه می کردند. آندور جکسون رئیس جمهوری وقت آمریکا که ناظر کشتار و پوست کنی ۸۰۰ سرخ پوست قوم کریک بود، پیشنهاد کرد تکه هایی از پیکرهای قربانی سرخ پوست برای زنان اشرافی ایالت تنسی به عنوان پیشکش فرستاده شود..

تئودور روزولت رئیس جمهور وقت آمریکا شجاعت سربازان خود را در این اتفاقات ستود و به وجود آنان افتخار کرد. او نظرش را درباره این کشتار چنین بیان کرد: «حادثه ساندریک یک حرکت اخلاقی و برای جامعه آمریکا سودمند بوده است. از بین بردن نژاد های پست و فرومایه ضرورتی اجتناب ناپذیر است»

در طول ۳۰۰ سالی که آمریکای مدرن بر روی خون صاحبان اصلی این کشور بنا شده هر روزه با هزاران ترفند سعی در پوشاندن حقیقت و جنایات وحشیانه خود داشتند ولی این لکه های ننگین که صفحات تاریخ آن را در خود جای داده اند نمی تواند به راحتی از ذهن دنیا پاک شود .

نویسنده : yarjaoon
منبع : farsnews.com

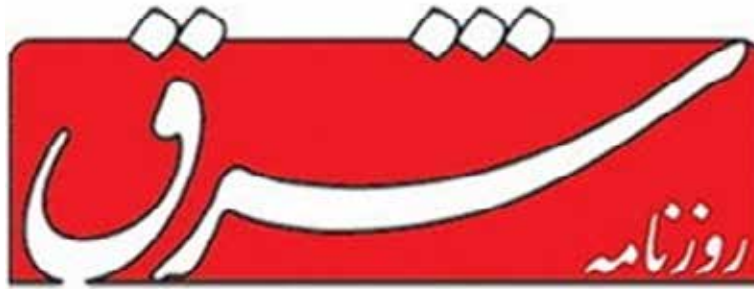




ارسالی توسط:
afsarjavan



جریان شناسی رسانه های فارسی زبان (۷)



آدرس وب سایت	
سال تاسیس	1382
منابع مالی
مشى سياسى	اصلاح طلب
وابستگى يا تمایل سياسى	اصلاح طلبان
عملکرد در فتنه ۸۸	توقیف بوده است
مدیر مسئول	مهدى رحمانیان
سردبیر	داوود محمدى
عناصر اثر گذار	سعید پورعزیزی ، محمد امیر مظاهری ، کاظم رهبر ، امیرحسین ناصری
اتفاقات خاص	سه بار توقیف

نقل مکان کرده بودند نیز اندکی قبل از شرق توقیف شد. هیئت تحریریه هر دو روزنامه که تداوم انتشار روزنامه ای با مشی اصلاح طلبانه را در دوران احمدی نژاد غیرممکن می دیدند هفته نامه شهروند امروز را که نشریه ای با محدوده توزیع در اصفهان بود در سطح کشور فعال کردند.

قوچانی در مورد جهت گیری های شرق در دوران خودش می گوید: «به نظر من خط مشی روزنامه شرق در بخش سیاسی چندان مشخص نیست. شرق زمانی حتی از روزنامه یاس نو که هم اکنون توقیف شده تندتر میشود و مطالبش را به اپوزیسیون داخل کشور اختصاص میدهد و تا حدودی هم از جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی حمایت می کند. اما زمانی دیگر به جناح چپ سنتی می پیوندد و مثلا در روزهای انتخابات با مهدی کروبی مصاحبه اختصاصی می کند. مصاحبه ای که این نظر را در مخاطب القا می کند که شرکت در انتخابات و رای به اصلاح طلبان باقیمانده واجب است. اولاً اینکه شرق خط فکری ندارد این کاملاً روشن است. در تحریریه ما هم آدم های کاملاً متفاوتی وجود دارد. آدم هایی هستند که گرایشات ملی مذهبی یا جبهه مشارکتی دارند. یا آدم های هم هستند که گرایشات روشنفکری غیرمذهبی دارند. البته کارگزارانی هم داریم در حد آقای عطریانفر.»

روزنامه شرق در تاریخ یکشنبه ۲۲ فروردین ۸۹ انتشار گسترده را با مدیر مسئولی محمد رحمانیان و سردبیری احمد غلامی بار دیگر آغاز کرد؛ با این تفاوت که احمد غلامی بیان کرد که در دور جدید انتشار این روزنامه بیشتر به مسائل اجتماعی و فرهنگی توجه خواهد شد. بعد از غلامی، داوود محمدی به سمت سردبیری رسید و کار وی را ادامه داد. معرفی هوشنگ سیحون بهایی و وابسته به دربار پهلوی در دو نوبت توسط روزنامه شرق از جمله اقدامات دور جدید این روزنامه است که با اعتراض کیهان روبرو شد.

معرفی میرزا عبدالرحیم طالب زاده تبریزی مشهور به طالبوف که خواهان تغییر فارسی بوده و شیخ فضل الله نوری که بر خلاف تظاهر طالبوف به مسلمانی وی را کافر معرفی می کرد از جمله برنامه های روزنامه شرق در معرفی روشنفکران دین ستیز در قالب این روزنامه است.



مهدی رحمانیان (مدیرمسئول شرق)

این روزنامه ۳ بار در دوران فعالیت خود توقیف شد. اولین بار به مدت یک روز و در کنار روزنامه یاس نو پیش از برگزاری انتخابات مجلس هفتم بود که با رد صلاحیت نمایندگان اصلاح طلب تندرو و هنجارشکن مجلس ششم روزنامه های حامی آنها همچون شرق به مانور تبلیغاتی بر روی آن پرداخته بودند. در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۸۵ شرق بار دیگر بخاطر چاپ کاریکاتوری توهین آمیز نسبت به رئیس جمهور برای بار دوم توقیف شد.

تیم شرق پس از توقیف دوم و در آستانه انتخابات دور سوم شوراهای اسلامی شهر و روستا اقدام به استفاده از امتیاز روزنامه روزگار و انتشار مجدد آن گرفت. از آنجایی که روزگار در مجوز خود مسائل سیاسی را نداشت و نشریه ای اجتماعی بود، وزارت ارشاد آن را پس از ۳ شماره توقیف کرد. بعد از ماجرای توقیف دوم شرق، محمد قوچانی (سردبیر سابق) و محمد عطریانفر (رئیس سابق شورای سیاست گذاری) از آن جدا شدند و به همراه بخشی از تحریریه سابق شرق به روزنامه تازه رفع توقیف شده هم میهن به مدیر مسئولی غلامحسین کرباسچی رفتند.

روزنامه شرق چاپ خود را بدون عطریانفر و قوچانی و با مدیریت رحمانیان شروع کرد، ولی در ۱۵ مرداد ۱۳۸۶ بار دیگر به دستور هیئت نظارت بر مطبوعات توقیف شد. علت توقیف چاپ مصاحبه با ساقی قهرمان شاعر زن دارای گرایشات همجنس گرایانه بود.

روزنامه هم میهن که عطریانفر و قوچانی به آنجا

شرق از سال ۱۳۷۷ به عنوان یک نشریه محلی به دلیل آنکه با عناصر فعال گروه های اصلاح طلب در ارتباط بود، زمانی که این گروه ها و جریانها در مجلس ششم به دنبال تربیتی بودند تا مواضع و دیدگاه های خود را مطرح کنند به شدت مورد توجه قرار گرفت. در واقع مسئله از آنجا آغاز شد که دولت خاتمی لایحه اصلاح قانون مطبوعات را تقدیم مجلس ششم کرد و لایحه مذکور که تا حد زیادی راه را جهت انتشار هر نوع نشریه ای باز می گذاشت بحث و جدل های فراوانی را در مجلس به وجود آورد.

بحث پیرامون این لایحه تا آنجا پیش رفت که سایر مسائل کشور را تحت الشعاع قرار داد. بنابراین مقام معظم رهبری در آن زمان طی حکمی حکومتی اعلام کردند که لایحه مذکور موقتاً مسکوت باقی بماند. به دنبال این مسئله احزاب و گروه های دوم خردادی جهت رسیدن به هدف یکی از بندهای قانون مطبوعات مبنی بر اینکه نشریات محلی جهت تبدیل شدن به یک نشریه کشوری نیاز به اخذ مجوز ندارند را مورد استناد قرار داده و نشریه محلی شرق را به عنوان روزنامه شرق به تربیون اعلام مواضع خود تبدیل نمودند.

علاوه بر این مسئله در این زمان یک موضوع دیگر نیز زمینه را جهت اطلاع رشد و گسترش یک روزنامه تازه تاسیس فراهم نمود. در واقع در این زمان جناح اصولگرا در شورای شهر تهران قدرت را در دست گرفته و بنابراین شهرداری تهران هم به طیف آبادگران و احمدی نژاد واگذار شد و این مسئله به معنای استعفا عطریانفر از ریاست روزنامه همشهری بود. عطریانفر به عنوان یکی از چهره های سرشناس کارگزاران با سابقه کار در روزنامه همشهری و همشهری ماه می توانست تیمی نسبتاً قوی را به بدنه دست اندرکاران شرق تزریق نماید که از جمله آنها انتخاب محمد قوچانی به عنوان سردبیر روزنامه شرق توسط عطریانفر بود.

این مسئله در حالی بود که بعد از دوم خرداد ۷۶ چهره های زیادی به روزنامه نگاری و فعالیت مطبوعاتی همسو با ایده های اصلاح طلبان روی آورده و تاسیس روزنامه شرق زمینه خوبی جهت فعالیت آنها محسوب می شد. بدین شکل با فراهم شدن زمینه های فوق اولین شماره روزنامه در شهریور ۸۲ با صاحب امتیازی مهدی رحمانیان منتشر شد.



مدیران فرهنگی با فرهنگ انقلابی

آیا این مدیران فرهنگی، تحقق اهداف و آرمان انقلاب و آرمان های اسلام را باعث خواهند شد؟ ایجاد تمدن اسلامی؛ جمله ای کوتاه که آرمان نظام جمهوری اسلامی در آن خلاصه می شود. در این چند دهه که از انقلاب اسلامی گذشته، هم صحبتی با یقه سفیدانی که خود را در عرصه فرهنگ، مدیرانی انقلابی با فرهنگی انقلابی معرفی کرده اند و با تکرار همیشگی واژگانی مثل: کار علمی، کار کارشناسی، برنامه ریزی استراتژیک، چشم انداز، پرهیز از شعارزدگی و ... کار را پیش برده اند، و در مدیریت فرهنگی کشور با شعار طرد افراطیها، کار کارشناسی و علمی و ترویج مباحث تئوریک و ... برنامه ریزی و عمل کرده اند و باعث حضور افرادی با عقایدی بر پایه مکاتب فلسفه فرهنگ غرب و شرق در راس امور و کرسی های تولیدات فرهنگی شده اند.

موضوعات فرهنگی، باید متناسب با ماهیت جامعه انتخاب شود. اما با توجه به موضوعات مطرح شده بالا، تاریخ کار فرهنگی در انقلاب اسلامی، یک نوع آشفتگی و سردرگمی دارد که از جهل به اهداف و ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی نشأت می گیرد، به گونه ای که با نقیصه های زیر مواجه شده ایم:

(الف) عدم تناسب موضوعات انتخاب شده با ماهیت فرهنگ؛
(ب) عدم تفکیک صحیح و مناسب بین موضوعات فرهنگی؛
(ج) وارد شدن برخی امور غیرفرهنگی در موضوعات فرهنگی؛
مؤلفه ها و هویت فرهنگی یک جامعه که مجموع معروف ها، ارزش ها و آرمان های یک اجتماع است، هدفی را نشان می دهد که در انقلاب اسلامی به آن «ایجاد تمدن اسلامی» می گوئیم که رسیدن به آن، وظیفه همه ما و وظیفه مجموعه مسئولان کشور است. دولت به عنوان رکن عملیاتی و سیاست گذار فرهنگی، وظیفه دارد سه مؤلفه بزرگ را برای همه تصمیم گیری ها و همه اقدامها در نظر داشته باشد:

مؤلفه اول: آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛

که این اهداف و آرمانها مطلقاً ناپیوستی از نظر دور بشود؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را می شود در جمله ای کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی میتواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد.

مؤلفه دوم: راهبردهای عمومی و کلی که ما را به این اهداف میرساند؛

تکیه بر اسلامیت، ظالم نبودن و مظلوم نشدن در تعاملات، تکیه به آراء مردم و آنچه که مردم سالاری را تشکیل می دهد و راهبردهایی از این قبیل؛

اینها سیاستهای کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است که برای رسیدن به آرمانها باید شناخته شود.

مؤلفه سوم: واقعیات؛

آرمان گرایی با نگاه به واقعیات و فهم درست آن ها به نتیجه می رسد.

آنچه از واقعیتهای که موجب اقتدار است؛ واقعیتهایی که



کمبود و نقص است؛ آنچه که مانع حرکت است؛ همه را باید درست فهمید. البته واقعیتهای تلخی هم وجود دارد که با تکیه به واقعیتهای شیرین و تقویت آنها باید زدوده بشوند یا کم بشوند.

با در نظر گرفتن این سه عنصر یعنی: آرمانها، راهبردها و واقعیتهای (مقام معظم رهبری (حفظه الله) - ۱۴/۰۶/۱۳۹۲) و ترکیب این مؤلفه ها، می توان به الگوی ساده ای برای سیاست گذاری و اولویت بندی موضوعات و تولیدات فرهنگی دست یافت.

هویت جامعه، ارزش و فرهنگی است که برای آن جامعه نهادینه شده. به عنوان مثال، مفهوم شرافت در جوامع اسلامی نسبت به جوامع غربی، به دلیل اختلاف مفاهیم در ارتباط جنسیتی، متفاوت است.

مؤلفه های فرهنگی وحدت بخش، حافظ و ارتقاء دهنده انسجام اجتماعی فرهنگ است. اگر جامعه ای در ارزش ها، باورها و رفتارها به ذهنیت مشترک و جهت گیری مشابهی برسد مطمئناً برای تحقق خواست خود حاضر به هرگونه از خودگذشتگی و ایثار می باشد.

دلیل اهمیت توجه به هویت و مؤلفه های فرهنگی یک ملت، شناسا و مروج بودن باورها و اعتقادات فرد و جامعه است و عامل شناخت زندگی و هویت معنوی افراد و جوامع است. لذا وقتی مدیر فرهنگی، شناخت صحیح از هویت و مؤلفه های فرهنگی یک جامعه نداشته باشد و یا وقتی دانسته یا ندانسته فرهنگ را پدیده ای طبق نظریه های مارکسیستی یا کمونیستی و ... پندارد فعالیت ها و فرآورده های فرهنگی آن نظریه ها، صرفاً به شرایط منفعت طلبانه، دنیا گرایانه و خالی از روح معنوی و اسلامی منحصر خواهد شد و مدیر فرهنگی دارای عقاید غیر اسلامی راهی را خلاف مسیر حرکت مردم در پیش خواهد گرفت و موجب گسست برنامه، کار، هویت فرهنگی و در نهایت دور شدن از آرمان های یک انقلاب فرهنگی خواهد شد.

نویسنده: matinemami



به تو زنگ نزدن !!؟



آمد جلوی چشممان ... زل میزد و می گفت: به تو زنگ نزدن !!؟

فکر کردیم اینگونه نمی شود باید ته و توی این جمله را در بیاوریم شاید کلید جدیدی ساخته شده و خبرساز و به ما زنگ نزدن صبح زود خیلی شیک و تمیز در محل خدمت حاضر شدیم

همکار میز اینوری آمد... همکار میز اونوری هم آمد صدا را صاف کردیم و : صبح عالیتون متعالی ... چه خبرها... راستی قضیه اینکه همه دارن از هم سوال می کنند به تو...

هنوز جمله معروف منعقد نشده بود که تلفن زنگ زد... برداشتم... بفرمائید...؟! فلانی صبح بهاری تون دل انگیز مزاحم وقتتون شدیم که خبر بهتون بدیم از آخر اردیبهشت ماه دولت محترمه به خدمت شما نیازی نداره... اخراج شدین... لطفا این خبر رو به همکاران اینوری و انوری تون هم اطلاع رسانی کنید گوشه رو گذاشتم

ولی حالا که قرار بود من به اینوری و اونوری اطلاع رسانی کنم پس از کی بپرسم به تو زنگ نزدن !!؟

خوب رئیس جمهور تدبیر امید و بود دیگر. دوست داشت تدبیری بیاندیشد تا همه ما زودتر دعوت حق را لیبیک بگوئیم...!! حالا که داریم میریم یک سوال؛ جان من ... به شماها زنگ نزدن...!!؟

نویسنده : peimane

داستان از یک پیامک تبریک شروع شد
پیامک تبریک سال نو...!!

خوب رئیس جمهور تدبیر و امید بود دیگر . دوست داشت به ملت شریف ایران ، امید سالی خوش همراه با کلیدهای قفل گشا بدهد همه ما خوشحال که «سالی که نکوست از بهارش پیداست»

نه یکی نه دوتا نه سه تا... برای برخی تا پنج و شش و هفت پیامک هم پیش رفت که هر که بامش بیش برفش بیشتر...!! تعطیلات تمام شد و رایحه خوش خدمت با پیامک های هدفمندی همراه شد که آی ملت همیشه حاضر در صحنه بیاید با انصراف خود از دریافت یارانه مهر تأییدی بر این حضور بزنید

خوب رئیس جمهور تدبیر امید و بود دیگر. دوست داشت تدبیری بیاندیشد تا همه امراض ما را به لطف امید بیمه و درمان شفا بخشد گذشت و گذشت تا رسیدیم به روزهای اردیبهشتی بوی خوش سلامتی در مملکت پیچیده بود و امید به آینده ای روشن و رفاه اجتماعی در چشم همه مان برق می زد

یک روز مثل همیشه مشغول کار و فعالیت اجتماعی و خدمت به میهن عزیزمان بودیم که تلفن اتاق کناری زنگ خورد درینگ...درینگ...

همکار عزیزتر از جانمان گوشی را برداشت و با لبخندی امیدوار گفت: بله...؟! چند لحظه ای نگذشته بود که رنگ این بنده مفلوک به زرد و سفید و قرمز و در نهایت رنگ خاطره انگیز بنفش رسید

وی بعد از قطع تماس به همکاری که در مقابل وی مشغول خدمت بود خیره شد و با صدایی لرزان و ترسان پرسید؛

به تو زنگ نزدن ...؟! بعد از گرفتن پاسخ منفی از اتاق خارج شد و هنوز اطلاعی از سلامتی وی به ما نرسیده

فردای همان روز همچنان درگیر خدمت به دولت بودیم که صدای جیغ بنفشی « توجه بفرمائید بنفش همان رنگ خاطره انگیز» از طبقه پائین شنیده شد و باز همان فرآیند طیف رنگ ها و جمله مشکوک به تو زنگ نزدن ...؟!

هر جای اداره که پا می گذاشتیم این صدا طنین انداز می شد که به تو زنگ نزدن ...؟! بالا و پائین از شما چه پنهان شب در خواب هم یک نفر می



من یک ایرانی هستم و کشورم ایران است..

با قدمتی بس طولانی که ماد و پارس و هخامنشی و ساسانی و قاجاری و حکومت های بسیار دیگر را تجربه کرده است.

خان ها، شاه شدند و جاسوسان، رئیس و...

روزی خاک دادند و روزی خاک گرفتند،
روزی خون دادند و روزی خون ریختند،
روزی جان دادند و روزی جان گرفتند،
روزی کشتار کردند، روزی کودتا کردند،
روزی چادر کشیدند،
روزی به حوزه ها حمله کردند و روزی به سینما ها،
روزی مجلس را به توپ بستند و روزی مسجد را...

تاریخ است دیگر... تکلیفش با خودش معلوم نیست. هر صفحه اش به گونه ایست که نقض میکند اوراق دیگر را.

و روزی می رسد که این روز ها هم به تاریخ می پیوندد...
و می نویسند:

آن زمان ها دیگر بحث سر خاک نبود؛ چه بسا کشور های کوچکی که از کشور های بزرگترشان قوی تر بودند.
آن روز ها، قدرت کشور ها وابسته بود به دانش آن ها... هر که علمش بیش، نفعش بیشتر.

هر که از دانش هسته ای بهره مند بود، قدرت جهانی نیز در دست او بود. عده ای جنگ افزار هسته ای و بمب های اتمی نیز داشتند و خیال می کردند قدرت در دست آن هاست.

اما بیهوده می پنداشتند... دست خدا با مملکتی اسلامی بود که اگر پروردگارش اراده میکرد، تمام دانش هسته ای دشمنانش را به باد میداد.

رهبرشان امام خامنه ای نیز فرمود:
قوی شدن ملت فقط به تسلیحات جنگی نیست. سه عنصر اقتصاد، فرهنگ و علم اگر در یک کشور باشند آن کشور قوی می شود.

اما عده ای کاری کردند که گویا نمی دانستند مملکتی که خدا را دارد، تحریم برایش مهم نیست.. محتاج بیگانه نخواهد شد.. دست به سوی کافر دراز نمی کند..

همان دانشی را که برایش خون داده بودند، دادند برای نان...

مدتی بعد، به مملکتی که ولی نعمتش حضرت رضا علیه السلام و واسطه ی فیضش حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و روزی دهنده اش خدا بود، سبب کالا دادند و دهان های اجنبیان باز شد که این همان است که ما دادیم و ملت فقیر ایران را سیر کردیم...
بگذریم از سیاست آن دوره..

ترسم از این است که روزی در تاریخ این ها را هم بنویسند:

جوانی بود که برای دفاع از ناموس شیعه، جانش را بر کف دست گذاشت و اینگونه برای نایب امام زمانش نوشت:

اینجا بعضی ها می گویند کار بدی کرده ام. بعضی ها برای اینکه زورشان می آمد برای خرج بیمارستان کمک کنند می گفتند: به تو چه ربطی داشت؟! مملکت قانون و نیروی انتظامی دارد!

ترسم از این است که روزی بنویسند:

چادر ها را می کشیدند، اما آن روز انگار دیگر غیرتی نبود... حیا نبود...
امر به معروف که میکردند، آن ها را مقصر می دانستند.. انگار امر به معروف، منکر شده بود.

یا جملات دیگری که قلم من، تاب نوشتن آن ها را ندارد... اما شاید قلم تاریخ، بنویسد...

در همان ایام، زنان دولتمردان این سرزمین، شب میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، دخت پیامبر، به بهانه ی جشنی برای حضرت به کاخ های زمان پهلوی رفتند و جشنی گرفتند که نه تنها در شان حضرت، بلکه در شان یک زن مسلمان هم نبود.

اینکه چه گذشت در آن ایام، هنوز هم از دید و درک عده ای پنهان است. اما ترس من از آن است که روزی بنویسند:

در آن ایام، دولتمردان بسیاری از موازین شرعی و قانونی را رعایت نمی کردند. اما از مردم توقع های نابه جا داشتند.
مثلا مردم را سائل خطاب می کردند درحالیکه از حال آن ها بی خبر بودند.
گویی می پنداشتند که همه همچون آنان هستند.

و جالب اینجاست که رهبر انقلاب، آن سال را به اقتصاد و فرهنگ مزین کرده بود.

اما آرزو میکنم که این از قلم نیفتد که:

می گفتند: آزادی است و نقد آزاد... به خدا پناه می بردند از بستن دهان منتقدین.
اما اگر نقدی میشد، شروع میکردند به برچسب افراطی زدن... و منتقدانشان را کم سواد نامیدند.

و آن دوره، انگار تنها مردم نامحرم بودند...
و اگر کسی هم چیزی می دانست، با موضع گیری هایشان دهانش را می بستند...
که اگر چنین نبود، چه تاریخی میشد نوشت از این ایام.

و یک درد نامه هم ضمیمه اش می کردند:
حکایت غصه های دل آقای آقا سید علی آقا، که از همه ی این ها دردناک تر است.

و امید همه، به این مردی است که گوشش به دهان مولایمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

اما این جمله هرگز در تاریخ ایران نخواهد آمد که «جوانان ایرانی، امامشان را تنها گذاشتند...»
که ما هر چه داریم، از ولایت داریم.

امام خامنه ای:

عزیزان من فرهنگ از اقتصاد هم مهمتر است. فرهنگ به معنای هوایی است که تنفس میکنید. اگر این هوا تمیز باشد یک اثر و اگر کثیف باشد اثر دیگری دارد..

نویسنده : fanous



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳





جوانان توسط

تحقیق سازمان ها و بخشنامه ها

دور تازه ای شروع شده است. نشانه های آن را ببینیم:

مستند "من روحانی هستم" به تیرتیر یک روزنامه ها تبدیل می شود. این مستند موجی در سیاست راه انداخته است. ریاست قوای مملکت درباره آن صحبت می کنند. وزارت ارشاد مطالبه قضایی می کند.

انیمیشن "پیام راشل کوری ۲" دهان به دهان پیشروی می کند. اتاق های خوابگاه ها و گوشی های همراه را فتح می کند.

مجموعه طنز ترکیبی "دکتر سلام" چهار هزار نفر را از اقصی نقاط کشور به جشن یک سالگی اش می کشاند. این مراسم نیز به تیرتیر یک روزنامه و خبر موثر سیاسی تبدیل می شود.

دنیای تصویری ما تغییر کرده است و قواعد بازی عوض شده اند. بازیگران جدیدی به میدان آمده اند. هر سه محصول و موارد مشابه یک پیام دارند: تحقیق تمام بخش نامه ها، دستگاه ها و سازمان های چاق پر ادعای فرهنگی و رسانه ای!!

در این مجموعه ها به طرز جالبی چند ویژگی مشترک وجود دارد. ویژگی هایی که بعضا آرزوی نهادهای سیاست گذاران و روشنفکران هستند:

۱- استقلال

تمام موارد توسط چند نفر و در استقلال کامل ساخته شده است. دکتر سلام نیز که باز هم متکی بر گروه کوچکی است اگر پشتوانه سیاسی بسیج را نداشت احتمالا اکنون به سرنوشت "من روحانی هستم" دچار بود. این استقلال که سالها ادعا و آرزوی گروه های مختلف بود امروز تحت برچسب "بی شناسنامهگی" خفه می شوند.

۲- جوان

هرسه محصول توسط تیمی بسیار جوان

ساخته شده اند. ضمنا تمامی عوامل "من روحانی هستم" خانم هستند. جوانانی که دیگر پشت بندهای بخشنامه ها تاب نمی آورند.

۳- خودجوش و دغدغه مند

هیچ اعلام نیازی یا رایزنی سازمانی برای تولید این قبیل محصولات وجود ندارد. هیچ عقل معاشی نیز موضوع مستند را ریاست جمهوری فعلی، جنگ ایران و اسرائیل یا موضوعات داغ سیاسی بر نمی گزیند.

۴- ضعف تکنیک

دکتر سلام با تمام خلاقیت هایش تکنیک جدی ندارد. حتی میان برنامه ها (footage) گرافیک چشمگیری ندارند و در حال پیشرفت اند. "من روحانی هستم" نیز از نظر شکل (فرم) با وجود پیشرفت قابل توجه، جای کار بیشتری دارد. "پیام راشل کوری ۲" از قدرت بیشتری برخوردار است و حتی تدوین خوبی هم دارد. اما از ضعف داستان رنج می برد. در این باره سه نکته جزئی دارد:

- به نسبت موارد مشابه گذشته پیشرفت چشمگیری ملاحظه می شود، به خصوص در انیمیشن.

- آنچه این ضعف را جبران نموده، همان دغدغه مندی و مضمون قوی کارهاست.

- در پیشرفت تکنیکی و شکلی این گونه محصولات آفتی جدی وجود دارد:

"اسارت تکنیک" همان که در سکانس به شدت طولانی "راشل کوری" می بینیم. مستند های متعددی از افراد دغدغه مند در کار های دوم به بعد، آن قدر درگیر روایت شدند که از داستان عقب ماندند.

۵- اقتصاد مخاطب محور

شاید مهم ترین دستاورد این محصولات باز کردن معبری خارج از راهروی سازمان هاست. آنچه می تواند استقلال ایشان را تضمین کند کسب درآمد از فروش و اکران مردمی است. امروز می

توان گفت این جوانان به سهولت یا سختی این مسیر را گشوده اند.

۶- شبکه

دکتر سلام دو محصول دیگر را تبلیغ می کند. گروه سفیر پخش مستند "من روحانی هستم" را انجام داده است. صدا گذاری آن در رادیو میقات انجام شده است. برنامه تلویزیونی راز، "راشل کوری" را تبلیغ می کند. تقریبا همه به این نتیجه رسیده اند که شبکه پشتیبان وجود ندارد بلکه باید این شبکه را ایجاد نمود. فعالیت های انفرادی گوناگون فرهنگی به راحتی می تواند به موج تبدیل شود اگر یکدیگر را بیابند.

۷- نمایش ناکارآمدی سازمان ها

وقتی یک مستند معمولی به خبر اول دنیای سیاست تبدیل می شود، وقتی سیاسیون نگران یک مجموعه طنز کوچک می شوند، وقتی انیمیشن ۱۷ دقیقه ای شبکه های خارج از کشور را وادار به واکنش می کند، چه نتیجه ای می توان گرفت به جز:

- رسانه های عظیم ما در خوابی خمارآلود یا کرختی مفراط با تمام عظمت و بودجه شان توان خروجی معادل چند نفر جوان را ندارند.

- جرات جوانان در حالی با استقبال مردمی مواجه می شود که سیاست سخت مقاومت می کند.

- بخش نامه ها و نهادهای حمایتی توانایی زایش موشی را نیز ندارند چه رسد به شتر!

- کارهای نکرده و راه های نرفته بسیاری موجود است.

- و شاید بزرگترین پیام این جریان نشانه های یک تولد باشد. جوانه های سالم. اتفاقا بهترین حمایت دولتی حمایت نکردن دولتی است!

امر به معروف و نهی از منکر، یک مهارت اجتماعی (۲)

لازم است که مذهب راریشه کن کنیم ... ما برای اجرای نقشه خود تمام معتقدات مذهبی دیگران را از بین می بریم تا نسل فاسد شود و پیوسته سعی می کنیم که آن دسته از رهبران مذهبی را که مزاحم نقشه های ما هستند را نابود کنیم (اسرار سازمان مخفی یهود، ژرژ لامین، ص ۸-۹)

آنچه که برای یک فرهنگ و تمدن اهمیت دارد استمرار بخشیدن به آن، بوسیله پیشگیری از فروپاشیست. اسلام با آموزه های قرآن و حدیث پیروانش را با ریشه های انحطاط و فروپاشی تمدن های گذشته آشنا کرده است و طرحتی را به قدمت انسان برای پیشگیری از سرنوشت تمدن های گذشته ارائه کرده است.

ولی با نگاهی به تاریخ اسلام یا ایران این فروپاشی، انحطاط و انحراف (در زمان حکومت یزید، اندلس و حکومت شاهنشاهی) را که نتیجه غفلت پیروان اسلام بوده است، تا جایی پیش می رود که سر فرزند پیامبر به نی و سر عالم و مجتهد شیعه بر دار می شود. امیر المومنین (علیه السلام) بی تفاوتی آگاهان و ترک امر به معروف و نهی از منکر را دلیل اصلی انحراف و فروپاشی امت های گذشته بیان فرمودند و برای جلوگیری از سقوط جامعه اسلامی مردم را به انجام این وظیفه که رمز استمرار هر ارزش، فرهنگ و تمدن است سفارش نموده است و می فرماید: «لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنکر فیولی علیکم اشراکم ... امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرازان بر شما چیره می گردند ...» (نهج البلاغه نامه ۱)

خلیفه های خداوند

امر به معروف و نهی از منکر از پیشینه ای به قدمت وجود انسان برخوردار است. نخستین انسان، دعوت کننده به معروف بود و پس از او نیز پیامبران دیگر به امر به معروف و نهی از منکر پیروان خویش پرداختند و به این وظیفه امر کردند تا جایی خداوند متعال مهم ترین مأموریت پیامبران الهی و حتی تمام مأموریت و رسالت آنان را در دو کلمه «بشارت و انداز» خلاصه نموده است: «و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً» (سوره سبأ- آیه ۲۸). خداوند متعال برای پیامبر و شیعیان ایشان راه سخت منکر زدایی را در ایات مختلف تبیین می نماید. به عنوان مثال نهراسیدن و تحمل دشواری ها را با آیه بیان می کند:

«و کایت من نبی قاتل معه ربتون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله وما ضعفوا وما استکانوا و الله یحب الصابین ... چه بسیار اتفاق افتاده که جمعیت زیادی از پیروان پیامبری در جنگ کشته شده اند، پس با این حال در برابر سختی هایی که در راه خدا به آنان رسید، سست و ضعیف و بیمناک نشدند و در برابر دشمن زیر بار نرفتند و خدا صابران را دوست می دارد» (آل عمران- آیه ۱۴۶) به همین جهت است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) امر به معروف و نهی از منکر را خلیفه الله فی ارضه و خلیفه رسول الله و خلیفه کتابه (جانشین خدا در زمین و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خدا معرفی فرموده اند. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲)

تجدید بنای ارزش ها

طبق آموزه های اسلام در صورت فروپاشی یک تمدن و فرهنگ، تجدید و احیاء آن فقط با امر به معروف و نهی از منکر ممکن است همانطور که سید الشهداء (علیه السلام) قیام کرد تا واجب بزرگی را که عبارت بود از تجدید بنای نظام و جامعه اسلامی و قیام در برابر انحراف عظیم، احیا کند. این طریقی قیام و امر به معروف و نهی از منکر، بزرگترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر است. (مقام معظم رهبری (حفظه الله) (۱۹/۰۳/۱۳۷۴)



قرآن کریم رفتار هایی که متصف به نیکویی و حسن هستند با کلمه «معروف» نام می برد. معروف یعنی کارهایی که تشخیص آنها برای همه مردم از کارهای زشت و «منکر» آسان است. یعنی بدی ها بوسیله شناخت خوبی ها نشان دار و مشخص هستند. اسلام چهار ملاک (فطرت، عقل، شرع، عرف و اجتماع) را برای شناخت معروف و منکر به پیروان خود معرفی کرده است تا با تشخیص آنها و امر و نهی لازم، معیار ها و ارزش های خدایی در جامعه تغییر نکنند.

چرا که وقتی معیارهای خدایی عوض شود، هر کس که دنیا طلب تر است، هر کس که شهوتران تر است، هر کس که برای به دست آوردن منافع شخصی زرتگرتر است، هر کس که با صدق و راستی بیگانه تر است، بر سر کار می آید ... باید کسانی که دلسوزند، نگذارند معیارهای الهی در جامعه عوض شود. اگر معیار تقوا در جامعه عوض شد، معلوم است که انسان با تقوایی مثل حسین بن علی (علیه السلام)، باید خونش ریخته شود. اگر زرنگی و دست و پاداری در کار دنیا و پشت هم اندازی و دروغگویی و بی اعتنائی به ارزشهای اسلامی ملاک قرار گرفت، معلوم است که کسی مثل یزید باید در رأس کار قرار گیرد و کسی مثل عبیدالله، شخص اول کشور عراق شود. همه کار اسلام این بود که این معیارهای باطل را عوض کند. همه کار انقلاب ما هم این بود که در مقابل معیارهای باطل و غلط مادی جهانی بایستد و آنها را عوض کند. مقام معظم رهبری (حفظه الله) (۲۲/۰۴/۱۳۷۱)

نویسنده: matinemami



کلیپ های تصویری



مأموران الهی

<http://www.afsaran.ir/link/579410>



بابا جان داد

<http://www.afsaran.ir/link/594544>



واجب فراموش شده

<http://www.afsaran.ir/link/577470>



بچه مسلمان قسمت پنجم/همکاری

<http://www.afsaran.ir/link/587836>



بچه مسلمان قسمت چهارم/رفاقت

<http://www.afsaran.ir/link/586785>



نقش حاج آقا در شکل گیری من روحانی هستم

<http://www.afsaran.ir/link/581882>



تقدیم به گروه چندرسانه ای شفق

<http://www.afsaran.ir/link/583303>



گزارش ۲۰:۳۰ درباره من روحانی هستم

<http://www.afsaran.ir/link/588338>



چه کسی دروغ می گوید؟ شرق یا شفق؟

<http://www.afsaran.ir/link/582336>

فتح خون (ویژه سالگرد سوم خرداد ۶۱)

خرمشهر به دلیل اهمیت استراتژیک و جایگاه مهم اقتصادی و نظامی آن و همچنین به مناسبت آنکه از اصلی ترین مناطق مورد ادعای بی اساس و واهی عراق بود، از نخستین روز شروع جنگ عراق علیه ایران، هدف بمباران سنگین عراق قرار گرفت، نیروهای زمینی عراق به سوی آن پیشروی کردند و آن را به محاصره در آوردند. هنگ پیاده خرمشهر با کمک سپاه پاسداران و نیروهای مردمی، دلیرانه در برابر حملات ارتش عراق ایستادگی کرد. لیکن سرانجام در ساعت ۱۶/۳۰ روز چهارم آبان ۱۳۵۹ (پس از ۳۵ روز مقاومت بی نظیر حماسی) خرمشهر سقوط کرد. سقوط خرمشهر بهانه ای به دست عراق داد تا تبلیغات فراوانی در جهت احیای احساسات عربی و ارضای عصبیت های قومی خود به راه اندازد.

تلاش برای طرح ریزی و اجرای عملیات الی بیت المقدس (عملیات آزاد سازی خرمشهر) در موقعیت بسیار حساسی انجام شد، وضعیت داخلی کشور با انهدام بقایای ضد انقلاب به تدریج رو به بهبودی و ثبات پیش می رفت. اوضاع منطقه نیز به دلیل نگرانی آمریکا از نتایج ناشی از پیروزی ایران بر عراق، به گونه ای آشکار ملتهب بود، ضمن اینکه مناسبات اعراب و اسرائیل با آمادگی اسرائیل برای تهاجم به جنوب لبنان، در وضعیت حساسی قرار داشت. در چنین موقعیتی، بی گمان، نتیجه عملیات الی بیت المقدس برای ایران، منطقه و عراق بسیار سرنوشت ساز و تعیین کننده بود، لذا سرعت عمل در اجرای این عملیات برای ایران بسیار با اهمیت بوده و نقش مؤثری داشت.

زمینه ی اجرای عملیات الی بیت المقدس متأثر از نتایج عملیات های پیشین بود که با شکستن حصر آبادان آغاز شد و پس از آن نیز ادامه یافت. این نتایج عبارت بودند از:

- ۱- انهدام بخش وسیعی از نیروی زمینی دشمن؛
- ۲- آزاد سازی بخش مهمی از مناطق اشغالی؛
- ۳- آزاد سازی نیروهای پدافندی خودی از مناطق اشغالی؛
- ۴- افزایش توانایی نیروهای خودی در طرح ریزی و اجرای عملیات؛
- ۵- افزایش تسلط اطلاعاتی بر دشمن.

مرحله ی اول عملیات در غرب کارون و در

غرب کارون تا خط مرزی که حداقل یک سوم کل قدرت مرزی عراق بود؛ رسیدن به خط مرزی بین المللی و پاک کردن این قسمت از خاک میهن اسلامی؛ (پ) آزاد سازی خرمشهر از اشغال متجاوزین؛ (ت) دور کردن شهرها و نقاط مسکونی واقع در این منطقه از برد توپخانه سنگین دشمن که بدون رعایت اصول اسلامی، اخلاقی و قوانین بین المللی، مناطق مسکونی را هدف موشک و بمب و گلوله قرار می داد.

این نبرد بلافاصله بعد از عملیات پیروزمندانه فتح المبین و در حالی که عمده ی نیروهای مسلح در جبهه غرب دزفول و شوش درگیر بودند طرح ریزی و یک ماه بعد به اجرا در آمد. لذا لازم بود ضمن تحکیم مواضع و دفاع از منطقه، نیروی وسیعی به منطقه ی اهواز-خرمشهر (در مسافتی بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ کیلومتر) انتقال یابد، به طوری که دشمن غافلگیر شود.

ب هر حال فتح خرمشهر به عنوان بزرگترین پیروزی سیاسی- نظامی جمهوری اسلامی ایران در سال دوم جنگ، از اهمیت بسیاری برخوردار بود. در این عملیات توفیقات نظامی قابل توجهی از جمله آزادی ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های اشغالی برای نیروهای ایران بدست آمد و دشمن متجاوز برای اجتناب از تلفات بیشتر و حفظ بصره، با سرافکندگی بسیار، از خاک ایران عقب نشست. این عملیات بزرگ و غرور آفرین (الی بیت المقدس) که با اهداف استراتژیک و تاکتیکی خاصی به انجام رسید، ضمن آنکه توانست در سه مرحله، خرمشهری را که در ساعت ۱۶/۳۰ روز چهارم آبان ۱۳۵۹ و پس از ۳۵ روز مقاومت بی نظیر، سقوط کرده بود را در ساعت ۱۱ بامداد سوم خرداد ۱۳۶۱ آزاد سازد، تغییرات چشمگیری را در روند جنگ ایجاد کرد و ایران را در موضعی فرادست قرار داد.

گردآورنده : shieh110

روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ آغاز شد. دشمن گمان نمی کرد که ایران بتواند با عبور از رودخانه خود را به جاده ی اهواز خرمشهر برساند. لیکن این امر تحقق یافت.

در مرحله ی دوم عملیات که روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ شروع شد، تهاجم ایران به سوی نوار مرزی، از جاده اهواز-خرمشهر در ناحیه ی غرب کارون آغاز گردید. همزمان با مرحله ی دوم، لشکر ۶ عراق به محاصره و انهدام و اسارت تهدید می شد. در این مرحله از عملیات، نیروهای ایرانی توانستند در هفده کیلومتر از نوار مرزی استقرار یابند. نیروهای عراقی از جفیر، کرخه نور، هویزه و پادگان حمید عقب نشینی کردند و در محور شلمچه خرمشهر متمرکز گردیدند.

مرحله سوم عملیات که ده روز مداوم به طول انجامید، با هدف نهایی آزاد سازی خرمشهر شروع شد. نیروهای عراقی که در مثلث جاده کارون مستقر بودند عقب نشینی کردند و با مرگ فرمانده عراقی مستقر در خرمشهر، روحیه سربازان عراقی تضعیف شد. سرانجام در پی عملیات دوم و سوم خرداد ۶۱ نیروهای ایران، عراقی ها شکست را پذیرفته، با دادن تلفات و ضایعات بسیار زیاد، خرمشهر را به صاحب اصلی آن واگذار و فرار کردند. وسعت منطقه ی آزاد شده در عملیات بیت المقدس بیش از ۵۴۰۰ کیلومتر مربع بود.

از جمله نتایج دیگر این عملیات، انهدام کامل ۲ لشکر عراق، آسیب رساندن به ۶ لشکر به میزان ۲۰ تا ۶۰ درصد، کشته و زخمی شدن بیش از ۱۶۰۰۰ نفر، اسارت ۱۷۴۹۹ نفر، انهدام ۵۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ خودرو، دهها عراده توپ، مقادیر زیادی جنگ افزار و مهمات، سرنگونی ۵۳ فروند هواپیما و ۳ فروند هلیکوپتر عراقی بود.

هدف های استراتژیک عملیات:

(الف) بیرون راندن دشمن تا پشت مرز های بین المللی؛
(ب) تأمین امنیت کرانه ی شمالی اروندرود و با شکست مواجه کردن استراتژی عراق در کنترل اروندرود؛
(پ) نشان دادن برتری قدرت نظامی، سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران به عراق و حامیان او در منطقه خلیج فارس.

هدف های تاکتیکی:

(الف) انهدام نیروهای متجاوز در منطقه ی بین



تصاویر آزادسازی خرمشهر



خاتمه یافتن نزاران امام رضا علیه السلام



از بچه های گردان تفحص بود.

کاروان هزارتایی شهدا رو عازم مشهد الرضا
علیه السلام کرده بودند،
۱۳ تا پیکر شهید کم داشتن...

گفته بودن هر جور شده،
باید پیدا کنید و بیارید.

قول داد و گفت هر جوری شده
من این ۱۳ تا شهید رو میارم...

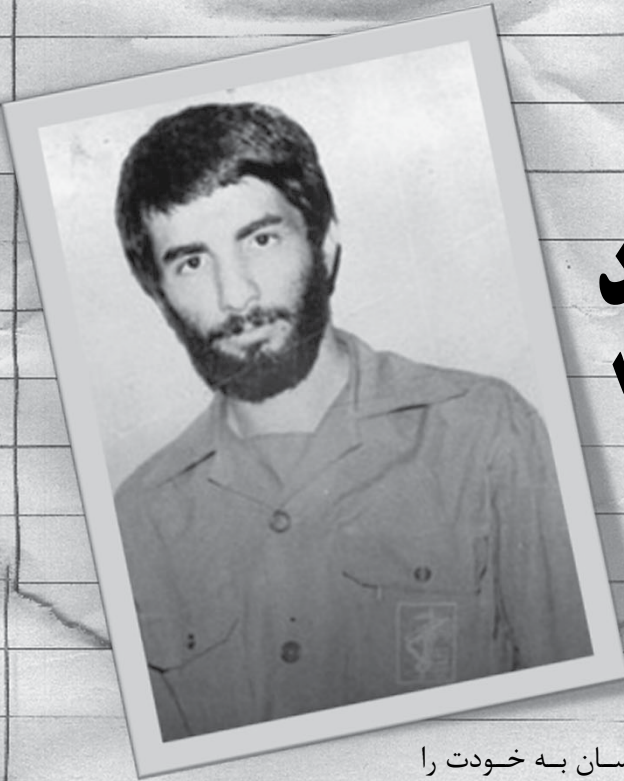
رفت شلمچه و شروع کرد گریه و زاری بالای یکی از کانال ها.
موقع برگشت گفت:
شهدا داریم کاروان می بریم مشهد الرضا علیه السلام.
۱۳ تا جا هم خالی داریم.
هرکی میاد بسم الله...

مجید پازوکی بود.
اومد توی کانال،
۱۳ تا دست از زیر خاک زده بود بیرون.

خطر سیدان من
از بناده خارج نشو

راوی: همرمز شهید مجید پازوکی
ارسال کننده: Ghalandar





وصیتنامه شهید سید محمد علی جهان آرا

بارپرودگارا ، ای رب العالمین،

ای غیاث المستغیثین و ای حبیب

قلوب الصالحین. تو را شکر می گویم که

شربت شهادت و این گونه راه رسیدن انسان به خودت را

به من بنده ی فقیر و حقیر و گناهکار خود ارزانی داشتی. من برای کسی

وصیتی ندارم ولی یک مشت درد و رنج دارم که بر این صفحه ی کاغذ می خواهم

همچون تیری بر قلب سیاه دلانی که این آزادی را حس نکرده اند و بر سر اموال

این دنیا ملتی راه امتی را و جهانی را به نیستی و نابودی می کشانند، فرو آورم.

خداوندا! تو خود شاهی که من تعهد این آزادی را با گذراندن تمام وقت و هستی

خویش ارج نهادم. با تمام دردها و رنج هایی که بعد از انقلاب بر جانم وارد شد صبر

و شکیبایی کردم ولی این را می دانم که این سران تازه به دوران رسیده، نعمت

آزادی را درک نکرده اند چون دربند نبوده اند یا در گوشه های تریاهای پاریس،

لندن و هامبورگ بوده اند و یا در ...

و تو ای امام! ای که به اندازه ی تمام قرنهای سختی ها و رنج ها کشیدی از دست

این نابخردان خرد همه چیزدان! لحظه لحظه ی این زندگی بر تو همچن نوح،

موسی و عیسی و محمد (ص) گذشت. ولی تو ای امام و ای عصاره ی تاریخ بدان که

با حرکتت، حرکت اسلام را در تاریخ جدید شروع کردی و آزادی مستضعفان جهان را

تضمین کردی.

ولی ای امام کیست که این همه رنجها و دردهای تو را درک کند؟! کیست که

دریابد لحظه ای کوتاهی از این حرکت به هر عنوان، خیانتی به تاریخ انسانیت و

کلیه انسان های حاغضر و آینده تاریخ می باشد؟

ای امام! درد تو را، رنج تو را می دانم چه کسانی با جان می خرنند، جوان با ایمان،

که هستی و زندگی تازه ی خویش را در راه هدف رسیدن حکومت عدل اسلامی فدا

می کند. بله ای امام! درد تو را جوانان درک می کنند، اینان که از مال دنیا فقط و

فقط رهبری تو را دارند و جان خویش را برای هدفی که اسلام است فدا می کنند.

ای امام تا لحظه ای که خون در رگ های ما جوانان پاک اسلام وجود دارد لحظه

ای نمی گذاریم که خط پیامبر گونه تو که به خط انبیاء و اولیاء وصل است به

انحراف کشیده شود. ای امام! من به عنوان کسی که شاید کربلای حسینی را در

کربلای خرمشهر دیده ام سخنی با تو دارم که از اعماق جانم و از پرپر شدن جوانان

خرمشهری برمی خیزد و آن، این است؛ ای امام! از روزی که جنگ آغاز شد تا لحظه

ای که خرمشهر سقوط کرد من یک ماه بطور مداوم کربلارا می دیدم هر روز که

حمله ی دشمن بر برادران سخت می شد و فریاد آنها بی سیم را از کار می انداخت

و هیچ راه نجاتی نبود به اتفاق می رفتیم، گریه را آغاز می کردم و فریاد می زدم ای

رب العالمین بر ما میسند ذلت و خواری را.

قیام ۱۵ خرداد

نقطه‌ی عطفی در تاریخ مبارزات ملت قهرمان ایران است، که رهبری داهیانه‌ی امام خمینی «قدس سره» و یاری روحانیان انقلابی در تداوم آن، طی یک دوره‌ی پانزده ساله، نقش اساسی داشته است. در همه‌ی آن سال‌ها سالروز ۱۵ خرداد هیچ‌گاه در سکوت و خاموشی سپری نشد؛ زیرا که ۱۵ خرداد برای امت قهرمان و شهید پرور ایران، از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده و خواهد بود.

۱۵ خرداد روز آغاز نهضت مقدس اسلامی، روز عصیان علیه طاغوت و طاغوتیان و روزی بود که ملت ایران زیر بیرق اسلام گرد آمد و برای مقابله با دشمنان اسلام و قرآن وارد صحنه شد و پشت رژیم ستمشاهی را به لرزه انداخت.

در سحرگاه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، دژخیمان رژیم ستمشاهی به خانه‌ی امام در قم یورش بردند و امام خمینی «قدس سره» را که سه روز پیش از آن، به مناسبت عاشورای حسینی در مدرسه‌ی فیضیه، طی سخنان کوبنده پرده از جنایات شاه و اربابان امریکایی و اسرائیلی او برداشته بود، دستگیر و دور از چشم مردم به زندانی در تهران منتقل کردند.

هنوز چند ساعتی نگذشته بود که خیابان‌های شهر قم زیر پای مردان و زنان مسلمان و انقلابی که به قصد اعتراض از خانه‌هایشان بیرون آمده و به حمایت از رهبرشان فریاد برآورده بودند، به لرزه در آمد. همین صحنه، در همان روز در تهران و در چند شهر دیگر نیز به وجود آمد و مردم ایران با قیام گسترده‌ی خود نشان دادند که خواستار برقراری حکومت اسلامی و پایان دادن به رژیم ستمشاهی هستند. گلوله‌های شلیک شده از خشم و کینه‌ی حکومت شاه، قلب مسلمانان انقلابی را در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نشانه رفت و آنان را به خاک و خون کشید.

محرم ۱۳۸۳ هجری قمری و مقدمات قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

امام حسین «علیه السلام» همواره مشعل فروزانی برای نهضت‌های اسلامی است و جامعه‌ی تشیع در طی قرن‌ها، به یاد ایشان می‌گریزد و خون او را حیات بخش نهال آزادی و حق و عدالت می‌داند. معنی حضور امام حسین (ع) در مبارزه‌ای بزرگ و پا بر جا بودن حوزه‌ی قم با وجود تلاشی که دولت در تعطیلی آن نمود.



چهل و پنج سال از عمرت می‌گذرد، یک کمی تأمل کن، یک کمی تدبیر کن، یک قدری عواقب امر را ملاحظه کن، کمی عبرت بگیر، از پدرت عبرت بگیر»

دستگیری امام (ره) و قیام پانزده خرداد
هم زمان با دستگیری رهبر نهضت اسلامی و بسیاری از علما و وعاظ و شخصیت‌های ذی نفوذ در قم، تهران و شهرستان‌ها، زمینه‌ی یک سرکوب وحشیانه و خونین توسط ایادی دژخیم فراهم شد.

اجتماعات و تظاهرات مردمی زنان و مردان در اعتراض به بازداشت امام در قم، تهران و برخی دیگر از شهرستان‌ها، با هجوم نیروهای مسلح، به خاک و خون کشیده شد. دانشگاه تهران با تانک و مسلسل و افراد مسلح به محاصره درآمد.

سیل خروشان کشاورزان غیور و کفن پوش ورامین، دهقانان کن و مردم جماران به سوی تهران سرازیر شدند؛ و انبوه جمعیت، اعم از بازاریان، بافروشان، دانشگاهیان، و اقشار مختلف مردم، با غریو رعد آسای یا مرگ یا خمینی و مرگ بر شاه تهران را به لرزه درآوردند. شاه در برابر قیام قهرآلود ملت، با رگبار مسلسل به جنگ ملت آمد؛ و توسط نیروهای تحت فرمان خود، تظاهرکنندگان را با وضع فجیعی قتل عام کرد و تهران را در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به حمام خون تبدیل ساخت. از تعداد شهدای ۱۵ خرداد آمار صحیحی در دست نیست. اما تعداد آنها را رقمی بین ۵ تا ۱۵ هزار نفر، تخمین زده‌اند.

جریان ۱۵ خرداد ظاهراً به نفع شاه تمام شد و امام تبعید و تاریکی خفقان حاکم شد؛ اما در واقع ۱۵ سال بعد شاه را از این مملکت بیرون کرد و با رفتن او بار دیگر، خورشید پر تشعشع اسلام طلوع کرد و مملکت را از ظلم و ستم رها نمود. **یاد و خاطره شهدای ۱۵ خرداد گرامی باد.**

منبع: تبیان
گردآورنده: setia



امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

اگر اقدام میرزای شیرازی آن عالم روشن بین نبود، کشور ما بیشتر در سلطه بیگانگان باقی می ماند

پس از گذشت سه سال ناصرالدین شاه در سومین سفرش به اروپا، ۱۲ شعبان ۱۳۰۶ هـ. ق از راه روسیه به انگلستان رفت و به دلیل ولخرجی زیاد و عیاشی، پولپایش تمام شد؛ امتیازی را در زمینه کشت، توزیع و فروش توتون و تنباکو به شخصی انگلیسی به نام مازور تالبوت داد و در مقابل مقداری پول گرفت.

دولت انگلیس که همیشه در پی گرفتن امتیازات جدید از ایران بود فرصت مناسب را برای کسب امتیاز انحصار توتون و تنباکو به دست آورد و زمینه سازی آن را به مازور جرالد تالبوت از نزدیکان و مشاوران لرد سالیسبوری (نخست وزیر و وزیر خارجه انگلیس) محول کرد. تالبوت ظاهراً نخستین مذاکره در باره انحصار تجارت توتون و تنباکو را در شهر برایتون با اعتمادالسلطنه که در این سفر همراه شاه بود آغاز کرد و پس از کسب اطلاعات کافی در این زمینه به کمک درمونت وولف وزیر مختار انگلیس در ایران امین السلطان را با دادن وعده های فراوان متقاعد کرد که او فواید و منافع انحصار توتون و تنباکو را برای شاه بگوید و موافقت وی را برای واگذاری انحصار تجارت دخانیات به دولت انگلیس بگیرد.

پس از بازگشت شاه به ایران تالبوت با کمک دولت انگلیس و عده ای از سرمایه داران انگلیسی شرکتی را که به کمپانی رژی معروف شد با سرمایه ۶۵۰۰۰۰ لیره تاسیس کرد و برای اخذ امتیاز مخفیانه وارد تهران شد.

امتیازنامه دارای پانزده فصل بود که به امضای شاه و سر هنری وولف رسید. براساس آن کمپانی رژی متعهد شد هر سال پانزده هزار لیره به دولت ایران بپردازد همچنین پس از کسر پنج درصد از سود شرکت یک چهارم باقیمانده آن را به خزانه ایران واریز کند و در عوض کشت و فروش توتون و تنباکو را در انحصار خود بگیرد

به موجب این امتیاز، کمپانی رژی صاحب حق انحصاری تجارت تنباکوی ایران و حتی نظارت بر زراعت آن شناخته می شد. علاوه بر ضرر اقتصادی خطر عمده تری که جامعه اسلامی را تهدید می کرد، حضور فرهنگ استعماری و گسترش فساد بود که به تبع حضور اجانب و دشمنان مسلمانان در ایران، اثرات نامطلوبی می گذاشت. هجوم افراد خارجی به ایران با آماری بیش از ۲۰۰ هزار نفر باعث تغییر در شکل ظاهری شهر و بازار می شد.

حضور انگلیسی ها در سراسر ایران به حدی بود که اعتماد السلطنه از آن به «سلطنت انگلیس در ایران» تعبیر کرد.

در این موقع سید جمال الدین اسدآبادی به پیشنهاد سید علی اکبر فال اسیری که در تبعید بود، نامه ای به میرزای شیرازی نوشت و بیان می کند که میرزای شیرازی به خاطر موقعیت خاص خود چه مسؤولیت سنگینی بر عهده دارد.

سید نامه هایی نیز به علمای داخل کشور می نویسد. میرزای شیرازی در تاریخ ۱۹ ذی الحجه ۱۳۰۸ هـ.

قی ۱۷ ماه پس از امضای قرار داد با کمپانی رژی به وسیله کامران میرزا نایب السلطنه، تلگرافی را به شاه می فرستد و می گوید کسانی را که تبعید کرده به کشور برگرداند و در مورد قرارداد، مخالفت خود را

ابراز کند. وقتی این تلگراف به دست شاه می رسد اعتنا نمی کند. ناصرالدین شاه برای پاسخ به نامه ی میرزای شیرازی، به میرزا مشیر الوزاره کارپرداز ایران در بغداد می گوید که به پیش میرزا برود و با او مذاکره کند و از سیاست دفع الوقتی استفاده نماید و می گوید چون تلگراف مفصل بود با پشت فرستاده ایم، که در واقع دروغی بیش نبوده است. سرانجام پس از بی اعتنائی شاه، حکم تحریم تنباکو از طرف آیت الله میرزای شیرازی صادر می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم
اليوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است
پس از حکم میرزای شیرازی قلیان ها شکسته می شود و مردم از کشیدن توتون و تنباکو دست می کشند. کلیه مغازه های فروش توتون و تنباکو بسته می شود و با شرکت رژی هم معامله نمی کنند.
این جریان ادامه می یابد تا این که در تاریخ ۲۳ جمادی الاول ۱۳۰۹ اعلانی در کوچه و بازار زده می شود:

بر حسب حکم جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای میرزای شیرازی، اگر تا ۴۸ ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود یوم دوشنبه آتیه جهاد است، مردم مهیا شوید

رئیس کمپانی رژی پیش امین السلطان می رود و می خواهد که امین السلطان علما را راضی کند حتی از او می خواهد که میرزای آشتیانی (از علمای تهران) را از تهران تبعید کند. پس از اصرار زیاد امین السلطان، شاه قبول می کند و طی نامه ای به میرزای آشتیانی می نویسد: یا بمان و بالای منبر برو و قلیان بکش، و یا از تهران خارج شو.

میرزای آشتیانی تصمیم می گیرد از تهران خارج شود. مردم که از این موضوع اطلاع پیدا میکنند در حمایت از ایشان به خانه اش میروند. مغازه هایی هم که باز بودند را می بندند. در این وضعیت آشفته شاه شخصی را به نزد میرزای آشتیانی می فرستد که منظور شما چیست؟ میرزا در جواب می گوید: تنها مقصود ما لغو امتیاز انحصار دخانیات اعم از داخل و خارج و کوتاه کردن دست خارجی هاست و هیچ تقاضای دیگری نداریم.

ناصرالدین شاه در جواب به امین السلطان می نویسد: نایب السلطنه، امتیاز داخله را که برداشته بودیم حال امتیاز از خارجه را هم برداشتیم و مردم مجبور در کشیدن قلیان نیستند تا حکم از جانب میرزای شیرازی برسد

امین السلطان دستخط شاه را مبنی بر لغو امتیاز خارجه را به میرزای آشتیانی می دهد. علما برای اینکه بفهمند حکم تحریم هنوز سر جای خود باقی هست یا نه، به میرزای شیرازی در سامراء تلگراف می زنند. میرزا در جواب می گوید: سر جای خود باقی است تا زمانی که دستخط آشتیانی مبنی بر حقیقت



داشتن لغو امتیاز بیاید سرانجام اعلامیه ای مبنی بر لغو امتیاز تنباکو منتشر می شود، علما دوباره از میرزای شیرازی می خواهند که آیا حکم سرچایش هست یا نه؟ که میرزا این حکم را صادر می کند: حکم تحریم لغو شد
در روز سه شنبه ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۰۹، اعلامیه ای منتشر شد که مردم می توانند با آسایش خاطر قلیان، چپق و سیگار بکشند. سرانجام امتیاز تنباکو لغو و درهمن ماه ۱۲۷۰ شمسی، به امضای ناصر الدین شاه رسید.

نویسنده: parvaz77



۲۸
شماره تولیدات شیشه ای اجتماعی آفسران
چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳



کلیپ های صوتی

ماجرای جشن همسر رئیس جمهور در کاخ سعد آباد

<http://www.afsaran.ir/link/582587>



چگونه باید کار فرهنگی انجام داد؟

<http://www.afsaran.ir/link/593853>

اراده یک ملت

<http://www.afsaran.ir/link/570585>



تو اومدی بخوری و بچری...؟؟

<http://www.afsaran.ir/link/570608>

آیا باید فاتحه مملکت را خواند؟

<http://www.afsaran.ir/link/579662>



حرف های عمروعاص به فرزندان در هنگام مرگ

<http://www.afsaran.ir/link/570613>

بررسی مستند من روحانی هستم توسط حمیدرسایی

<http://www.afsaran.ir/link/586235>



پای ولایت که رسید محکم و ایسا

<http://www.afsaran.ir/link/542934>

آن سوی افق، پرنده ها بی تابند

<http://www.afsaran.ir/link/570648>



حیا

<http://www.afsaran.ir/link/586225>

دو موجود مقدس

<http://www.afsaran.ir/link/586441>





رایس مجلس شورای اسلامی :
برای متفکر کردن ذهن ما چند روز پیش من از «من روحانی هستم» منتشر شد که آقای روحانی را در آن به دست داشتن در ماجرای سمک فاروقی متعلق کردند که این ترفیق بزرگ است. حداقل در این زمینه از بزرگان که در جریان انقلاب بودند درباره این موضوع سوال می کردید تا آنها به شما نیز می گفتند که البته مستندی که شما تهیه کرده اید خلاف واقع است و به تاریخ هم دروغ می گوید.

کارگردان مستند: منابع اثر از کتاب خاطرات نریمان آقای روحانی مانند آقای هاشمی رفسنجانی (کتاب اوج دفاع) است.



آقای لاریجانی! یعنی شما میگوئید :
خاطرات آقای هاشمی دروغ است !؟
استغفرالله ربی و التوب الیه!!



سلام بر معلم مهربانمان روزتان را تبریک می گویم .
امیدواریم که حالتان خوب باشد و روزگار بر وفق مرادتان .
این نامه را وقتی میخوانید که ما در این مدرسه نمی باشیم .
و البته قبل از هر چیز یک پارچ آب قند و گلاب و بهارنارنج و ...
حاضر کنید تا بتوانید نامه را تا آخرش بخوانید

در این نامه می خواهیم پرده برداریم از یک سری از فجایعی که برای شما و کلاسمان رخ داد.

یادتان می آید دیروز سر کلاس ریاضی چه بوی بدی می آمد ؟
هر کاری کردید آن بوی کذایی از بین نمی رفت
این به خاطر این بود که من یک ساعت قبل از شروع کلاس پاک کن سامان را در بخاری انداختم
و این شد که آن بو کلاس را پر کرد . و سامان بیچاره هم نمی دانست که چه بلایی سر پاک کن بدبختش آمده !

یادتان هست چند هفته ی پیش سر کلاس زیست ، وقتی که چند نفر از دوستانم را صدا زدید و از آنها پرسش نمودید و بعد از آن که خواستید نمرات را در دفتر کلاسی وارد کنید ناگهان که در دفتر را باز کردید یک مارمولک برای شما دست تکان می داد !! و شما از ترس نمی دانستید چه کار کنید .
این کار را مجید به طرز شگفت انگیزی انجام داد گویا آن مارمولک دست آموز مجید بود .

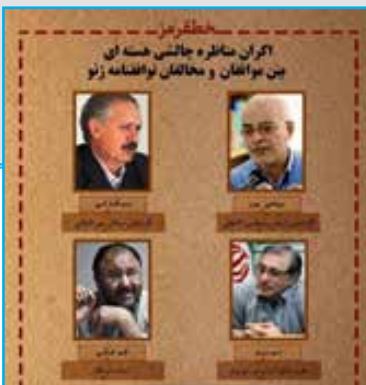
به یاد می آورید آن روز را که ماشین تان هر چهار چرخش پنچر شده بود و شما نمی دانستید در آن روز برانی چه کار کنید خواستم بگویم که این نقشه را سعید کشید و ما هم آن را عملی نمودیم یک چرخش را من ، یک چرخش را حمید ، چرخ دیگر را احسان و چرخ آخر را حامد ، برادر حمید !
بمیریم برایتان ، قیافه تان آنروز دیدنی بود !!!

یادتان می آید آنروز ، که لباس های جدیدی پوشیده بودید ناگهان متوجه شدید که چند جای لباستان آدامس چسبیده است ما به طور نامحسوسی آدامس ها را استتار نمودیم و بر روی صندلی تان چسبانیدیم .
این نقشه ی زیبا را حمید و حامد عملی کردند .

دو ماه پیش را یادتان می آید که می خواستید وارد آزمایشگاه شوید که ناگاه خوردید زمین و و یک دست و یک پایتان شکست !!!
با آن مقدار قابل توجهی که ما گریس روی زمین ریختیم خدا رحم کرد که با مخ نخوردید زمین و گرنه چند ماه در کما به سر می بردید !!!

آن روز را بماند !
میدانیم الان شما دیگر کاسه ی صبرتان لبریز شده است و صورتتان قرمز و از گوشه پایتان دارد دود میزند بیرون !! و سرگیجه گرفته اید !!
الان بهترین کار این است که آن پارچ آب قند و گلاب و بهارنارنج و ... سر بکشید تا مرجمی شود بر آن درد هایتان !
لازم است بگویم ما در طی یک عملیات بسیار پیچیده پرونده هایمان را از اتاق بایگانی کش رفته ایم و خودمان را اخراج کرده ایم قبل از آنکه اخراجمان کنند !
در پایان از شما به خاطر آن کار ها طلب بخشش می کنیم و شما را به خدا می سپاریم .

جمعی از دانش آموزان خوب و سر به راه شما (!)
سعید - حمید - حامد - احسان - مجید - ناصر



بازگشت آرمان تی وی

آرمان تی وی از ماه گذشته فعالیت خود را در سال جدید از سر گرفت. پخش مراسم سخنرانی دکتر جلیلی در دانشگاه امیرکبیر و حواشی آن، پخش مجدد مستند «من روحانی هستم»، مصاحبه با حسن روزی طلب (تاریخ نگار) با موضوع ماجرای مک فارلین، مصاحبه با حسین شیخ الاسلام (معاون سیاسی وزارت امور خارجه دوران دفاع مقدس) با موضوع زمینه های شکل گیری ماجرای مک فارلین، برگزاری مناظره چالشی بین موافقان و مخالفان توافقنامه ژنو با حضور آقایان: کوشکی، بیگدلی، نوبری و بهشتی پور. بخش های مهم این برنامه را می توانید در پروفایل آرمان تی وی در افسران ببینید <http://www.afsaran.ir/profile/armantv>

نظر سنجی

با توجه به اتفاقات رخ داده برای گروه شفق و مستند من روحانی هستم، سایت افسران یک نظر سنجی با هدف ریشه یابی این جریان رسانه ای برگزار کرده است. کاربران می توانند با انتخاب یکی از گزینه های ارائه شده در این نظر سنجی شرکت کنند.

برترین پیامک ها

امروز نمایشگاه کتاب، یه غرفه بود«فروش آثار دکتر حسن روحانی»
پرنده پر نمی زد.
گفتم بزار یه حالی ازش بگیرم.
رفتم داخل و گفتم خاطرات جدید ایشون رو ندارید؟
گفت نه.
گفتم حیف شد.
بعد گفتم: مستند من روحانی هستم چی؟
یه جوروری شد. گفت اون که غیر قانونی هست.
گفتم: چی. غیر قانونی. اون که خوبه. داره تعریف میکنه. میگه انقلابی هست و حباب و ...
Khademoshahid

برترین لینکها



شرح ماجرای دردناک و غم انگیز و پرحامسه زندگی جانبازان در یک تصویر که توسط کاربر ammarbabasirat منتشر شد.



در این لینک که توسط کاربر mashhood منتشر شد از آقای وحید شمسایی و خانواده محترمشون که محجبه در رسانه ملی حضور یافتند تقدیر شده است.



پایان مسابقه مقاله نویسی افسران

با اتمام مهلت شرکت در مسابقه مقاله نویسی، با رای داوران از بین آورنده، دو مقاله برگزیده شد و یک مقاله نیز شایسته تقدیر شناخته شد. اسامی برندگان در سالروز ولادت امیرالمومنین علی علیه السلام در سایت اعلام گردید. می توانید باینه پایانی این مسابقه و اسامی برندگان را در صفحه (۳۲) همین شماره ببینید.

دوستان افسرانی

متأسفانه به دلیل جنجالی که رسانه های زنجیره ای علیه گروه چند شفق درست کردند چند روزی هست که درگیرم این گروه و دیگر گروهها مثل این افتخارات افسران هستند و وظیفه بنده به عنوان خادم شما حمایت از این حرکات. دعا کنیدوهر کاری از دستتون بر میاد انجام بدید...

Hojjat

با چادرم شوخی داریم...

امروز پایش را از عمد گرفت به پایم! خوردم زمین. وسط خیابان. سنگریزه ای دستم را خراشید!
غمگین روی صندلی افتاده. دلخور است.. از دست خودش!
دارم می برم آبی بپاشم به سر و رویش،
بخندد!
بخندیم!
با چادرم رفیقم...

Zarfiat92



با توجه به هجمه رسانه ای غیرمنطقی و شدید به مستند «من روحانی هستم»، این بیانیه در حمایت از گروه چندرسانه ای شفق توسط کاربر bravo منتشر گردید و با همراهی بسیاری از کاربران سایت مواجه شد.



رادیو افسران

برنامه بیست و چهارم رادیو افسران با یک هفته تاخیر منتشر شد. در این قسمت نیز برنامه «شهر مه گرفته» به صورت فایل ضمیمه ارائه شده است.
<http://www.afsaran.ir/link/586639>

فعال شدن وبلاگ نشریه افسران

پس از شکل گیری گروه نشریه افسران و انتشار شماره های اولیه، وبلاگ نشریه نیز ایجاد شد و شماره های مختلف نشریه در آن قرار گرفت اما فعالیت چندانی نداشت. اکنون این وبلاگ با همت مدیریت جدید یعنی کاربر antistanism تغییر آدرس داده و در حال فعالیت است.
<http://nashriye-afsaran.mihanblog.com/>





بیانیه پایانی اولین مسابقه مقاله نویسی افسران

بسمه تعالی شأنه

در دنیای کنونی که تفهیم مسائل اصولی و هویتی در حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، امری مهم و پیچیده است، سواد رسانه ای چیزی بیشتر از مصرف کردن اطلاعات در دسترس است.

نویسنده و رزمنده عرصه جنگ نرم می بایست بتواند اطلاعات را در اشکال مختلف تولید، خلق و با موفقیت به دیگران انتقال دهد و این یعنی توانایی دسترسی، تحلیل، ارزشیابی و انتقال صحیح اطلاعات به دیگران که حاصل آن ارتقاء مهارت های تفکر نقادانه لازم برای درک موضوعات پیچیده می باشد. از سویی باید باور داشته باشیم که هر گونه کم دانشی در این عرصه باعث بی هویتی، ناتوانی در ارائه محتوای هدف به مخاطبین خواهد بود.

دوران اولین مسابقه مقاله نویسی با موضوع «مقاومت» با علم به اینکه تدوین موضوعاتی این چنینی نیازمند تعهد، تجربه و زمینه مطالعاتی کافی در این رابطه می باشد، ضمن تقدیر از زحمات یکاپک کاربران شرکت کننده در مسابقه، نظر آنان را به چند مطلب اساسی جلب می نمایند:

۱. خوشبختانه برخی آثار رسیده، باعث شد تا صفت «تحسین برانگیز» بودن را در این مسابقه برایشان عنوان کنیم و از صاحب قلمشان تقدیر کنیم. این آثار جدای از انتخاب عناوین و سوزه های مطلوب، از پرداخت مناسب، اطلاعات کافی، ارزیابی های اصولی و نگاه نو و خلاقانه برخوردار بودند که امیدواریم در آینده پیش رو، رشد افزون تری داشته باشند.

۲. توجه بیشتر در زمینه فرهنگ و جایگاه مهم این مسئله در آموزه های یک جامعه دینی، باعث حمایت و نقش آفرینی مردم در تمام عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر اساس مبانی اسلامی می شود.

۳. برخی دیگر از آثار رسیده در زمینه فرهنگ، همچنان که از فقدان اصول و مبانی جریان ساز محروم بوده اند، خالی از جمع بندی ها و نتیجه گیری های لازم از مقدمات و عناصر مطرح شده در مقاله می باشند.

۴. دست اندرکاران فرهنگی، سیاسی و هنری گروه های تخصصی شبکه اجتماعی افسران، نیز واقفند که تاثیرات فعالیت هایی که به تحریص و تشویق کاربران برای تولید محتوا می انجامد هرچند در روز و ماه مثمر نخواهد بود اما اینگونه فعالیت ها به صورت مستمر و بلند مدت در فرهنگ تولید، تدوین محتوا نتیجه مطلوبی را خواهد داشت.

۵. مسئولین برگزاری این مسابقه بر این باورند که هرچند رقابت نزدیک و تنگاتنگی در آثار وجود نداشت اما رشد کیفی و کمی مطالب را در مسابقات آینده متوقع هستند.

نتایج داوری:

دوران پس از بررسی آثار رسیده به مسابقه و با در نظر گرفتن موضوعات مطرح شده در فراخوان، مقالات ۲ نفر را بعنوان برگزیدگان حائز دریافت جایزه و یک نفر را نیز شایسته تقدیر به شرح زیر معرفی می نماید:

۱. mahdiyar85

۲. parasto

۳. infoshahmad

نویسنده: matinemami



۳۲ نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳

مَصَنَاعَاتِ كَلِمَاتِ

کسی که چند کاربری داشته
باشه نشون میده ثبات شخصیت
نداره! و یا به نوعی از جسارت
و شهامت لازم برخوردار نیست



بسم الله الرحمن الرحيم

با وجود اینکه برای اکثریت کاربران شناخته شده هستید ولی لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید .

میدونم که حکم فسیل!! رو پیدا کردم در افسران و اکثریت منو میشناسند ولی چشم.

محمد اسماعیلی هستم، ۲۶ ساله، ساکن اصفهان

تحصیلاتم کارشناسی برق در گرایش کنترل هست، شغل هم خدا بخواد با دعای خیر افسرانی ها جور میشه (انصافا دعا کنید ها!)

ان شاء الله ... چطور و چه زمانی با افسران آشنا شدید؟

از همون اول که افسران به وجود اومد فکر کنم سال ۹۰ بود، یه تیزر پخش شد در تلویزیون از سوی وزارت ارتباطات! که من دیدم و اومدم عضو شدم! تیزری که خود برادر گرمی جناب حجت خان هم یادش نیست!

البته اون موقع با یک یوزر دیگه بودم که تقدیم کردم به مدیریت. اون زمانی که گفته بودند چند کاربری ها خودشون رو تسلیم کنند!!

کاش همه چندکاربری ها مثل شما سریع تسلیم میشدن! وجود چندکاربری ها چه اثری در سایت داره؟

البته من مجبور بودم یوزر رو عوض کنم چون «شيعه آرت» رو تازه راه اندازی کرده بودم و باید با حساب کاربری که ارتباط بیشتری داشته باشه با این حرکت، فعالیت می کردم.

چند کاربری ها اثرات بدی دارن!! دیگه کمترین ضررشون همین دعوای بچگانه در قسمت پیامک هاست که کلاس کار سایت رو پایین می آورند. باند بازی و دیده نشدن مطالب کیفی و ... هم از نتایج دیگه این کار ناپسند هست!

کلا کسی که چند کاربری داشته باشه نشون میده ثبات شخصیت نداره! و یا به نوعی از جسارت و شهامت لازم برخوردار نیست! و یا اینکه خیلی بچه هست که برآش تعداد مثبت لینک هاش ارزشمنده! لینکی که بعد از مدتی خودش هم نمیتونه تو پروفایلش پیداش کنه!!

چطور باید با چندکاربری ها برخورد کرد؟

باید ندید و گذشت ... و در نهایت گزارش داد به مدیریت !!!

کلیت فضای افسران رو چطور می بینید؟

فضای افسران بعضی مواقع به شدت دوست داشتنی و بعضی مواقع به شدت دوست نداشتنی! میشه. در کل تا وقتی که توش بچه بازی و مثبت و منفی بازی و دعوای خاله زنگی!! و آبروریزی و ... نباشه خیلی فضای مفیدی هست. هم خبری هست هم تولیدات داره هم اعضای بسیار فهمیده ای داره ولی به شرطی که یه عده بچه بازی شون گل نکنه !!

آیا همیشه مانع این بچه بازی ها شد؟

مانع که نمیشه شد، ولی اگر سایر کاربران کمی بهتر فعالیت کنند، جدی تر، مصمم تر و ... اون فرد مربوطه خودش حس میکنه که اینجا یه قرارگاه جنگ نرم هست و واقعاً جای این بچه بازیها نیست. رفتار حرفه ای کاربران میتونه تا حد زیادی کمک کننده باشه.

چطور همیشه عقلانیت رو در افسران نهادینه کرد؟

خب وقتی به مطالب احساسی کم محتوا، کم محلی بشه صد در صد عقلانیت جاشو می گیره! یعنی کاربران تشویق می شوند که به جای مطالب احساسی زودگذر به دنبال مفاهیم عقلانی و مستدل برونند. البته احساس هم چیز خوبیه ولی به جای خودش!

مشکلات کار در سایت افسران چیه؟

اول از همه مشکلات فنی که شکر خدا با تلاش مدیران عزیز داره کمتر میشه! با تشکر از همشون.

دوم اعتیادی که به افسران پیدا میشه! البته من این اعتیاد رو از جنس اعتیاد به اینترنت نمیدونم. چون این سایت کاربران بسیار فهمیده و خوبی داره و انسان میتونه به راحتی با همچین قشری از جامعه معاشرت داشته باشه، همین میشه که آدم دوست داره دائما در این محیط باشه و فعالیت کنه و از نظرات سازنده دوستان استفاده



مصنوعات کلامی Shia Art



چطور شد هنر

گرافیک رو انتخاب کردید؟

قضیش که خیلی مفصله! به صورت ذاتی بنده به فتوشاپ خیلی علاقه داشتم ولی چیزی از سر در نمی آوردم! هر از چندگاهی کمی دستکاری می کردم عکس ها رو در حد تغییر نور ولی اینکه بخواهم پیشرفتی داشته باشم در این زمینه نه!

گذشت و گذشت تا دوران دانشجویی و شب های غربت در خوابگاه که اکثرا با صدای گرم حاج محمود کریمی طی می شد!! واقعا توی اون محیط که حتی پیش آمده بود چهارماهی از خانواده دور ماندن و اون فشار سنگین درس ها و ... صدای حاج محمود کریمی اصلا حکم آرام بخش رو داشت برام. هم سبک های زیبا ، هم محتوای غنی. حالا شاید بگید ربطش به گرافیک چیه؟! خواهم گفت!

یکی از روزها که داشتم مداحی گوش می کردم با خودم فکر کردم که واقعا این حاج آقا محمود کریمی چقدر خوب داره با هنرش برای ائمه (علیهم السلام) و شهدا و ... مایه میذاره و چقدر هم خوب گرفته کارش از حیث جذب جوانان و تاثیرگذاری و گفتم چرا بنده نتونم همچین کاری رو بکنم منتها من که ذوق مداحی نداشتم احساس کردم میتونم با گرافیک همچین خدمتی رو به ائمه بزرگوار انجام بدم. این شد که با الگو برداری از ایشون در زمینه گرافیک مطالعه رو بردم بالا! کتاب گرفتم و از صفر فتوشاپ رو شروع کردم. و کم کم طرح زدم! وبلاگ زدم و طرح ها رو منتشر کردم. البته به این راحتی هم اتفاق نیفتاد. هر کدوم از این مراحل سختی های خاص خودشون رو داشتند.

احتمالا خود اقای کریمی هم فکرشو نمی کنند که مداحی ها شون چنین نتایجی در بر داشته باشه .. از این کارها نتیجه شخصی هم گرفتید؟

اتفاقا کارهای همه خادمین اهل بیت (علیهم السلام) و به ویژه حاج محمود اقا بردش خیلی بالاتر از این حرف هاست و اینو خودشون هم میدونند. ما در کشور خودمون داریم از محضرشون استفاده می کنیم. شما حسابشو بکنید طرف دهه اول محرم از کشور اروپایی پا میشه میاد ایران به عشق مراسم آقا اباعبدالله (علیه السلام) و استفاده از سوز صدای حاجی. بالاخره کار با نیت خالص که باشه ان شاء الله.

در موتورهای جستجو (البته این برداشت خودمه) و چیزهای دیگه !!

یه عده میگن با شلوغ شدن سایت و ورود یه عده ظاهرالصلاح ، پاکي سایت به خطر افتاده .. شما هم چنین نظری دارید؟

شما واقعا مراعات یه فرد افراطی از جایی خاص تغذیه بشوی بی سواد رو نمیکنید؟! ظاهرالصلاح یعنی چی ؟

یعنی کسی که در ظاهر ادم خوبیه ولی مثلا وقتی شخصیت حقیقی ش کشف میشه می بینیم از آدمیت به دوره ا و قصد سوء استفاده از برخی کاربران بی تجربه و ساده سایت رو داره!

با تشکر :

خب صد در صد وجود همچین افرادی بسیار خطرناک هست! همه باید حواسشون رو جمع کنند که دور و برشون چه خیر است! راحت به کسی اعتماد نکنند و ... این موضوع به نظرم برای بانوان سایت بسیار پر رنگ تر هست و باید توجه ویژه ای داشته باشند.

چطور میشه سایت رو از خطرهای احتمالی پاک نگه داشت و حفظ کرد؟

با برخورد مناسب کاربران در قبال محتوای نامناسب و البته همت مضاعف مدیران برای برخورد صحیح و صد البته سریع!

بهترین نتیجه ای که این کارهای هنری برای من داشت، شناختی بود که از امام نقی (علیه السلام) پیدا کردم و در حدی شیفته این امام عزیز شدم که کلا کارهای ناچیزم و وبلاگم رو وقف حضرت کردم

قبل از ورود به افسران چه فعالیتی در فضای مجازی داشتید؟

قبل از افسران به تازگی وبلاگ «شیعه آرت» رو راه اندازی کرده بودم و طرح های نصفه و نیمه خودم رو داخلش منتشر می کردم.

کنه و متعاقبا همین میشه که از بعضی کارها عقب میمونی و نهایتا همین میشه که بهت میگن معتاد !!!

سومین مورد هم حس دلسردی هست که به آدم دست میده که می بینه در همچین محیطی که اسمش افسران و کلا برای مقابله با جنگ نرم ساخته شده در بعضی مواقع وظایف از سوی کاربران شناخته نمیشه و آنچنان که باید فعالیتی که شایسته این جبهه باشه در موضوع مربوطه انجام نمیشه.

آیا مشکل فقط عدم شناخت وظایف از سوی کاربران هست یا مشکلات دیگه هم هست؟

منظور عوامل دلسردیه دیگه؟! خب این چیزی که گفتم یه مفهوم کلی هست، وقتی حجم انبوه تبلیغات دشمن رو می بینیم و در مقابل عده کم و بعضا ناآشنا به وظایف خودمون رو می بینیم یکم باعث دلسردیه ولی خب چه گروه های اندکی که با لطف خدا بر عده فراوان پیروز شده اند!

عدم شناخت وظیفه از سوی بعضی کاربران یعنی عدم شناخت ضرورت کار فرهنگی، عدم شناخت زمان مناسب برای کار فرهنگی مربوطه، بالا نبردن سطح اطلاعات عمومی و تخصصی و ...

در مقایسه با سایر شبکه های اجتماعی مجازی چه مزیت ها یا معایبی داره؟

یکی از مزیت هاش تولید محور بودن این شبکه هست علاوه بر اجتماعی بودن!

یعنی در شبکه های دیگر ملاک دور هم بودن هست ولی اینجا ملاک تولید محتوا هست و البته در کنارش با هم بودن هم معنی پیدا میکنه. گروه های افسران گرافیکست، فریم، رادیو افسران، نشریه افسران، خنده حلال و ... تقریبا اینجا رو یک قرارگاه واقعی جنگ نرم کرده.

مزیت مهمتری که داره نوع اعضای افسران هست که همه به نوعی دغدغه دین دارند و مذهبی هستند که باعث میشه فضای نسبتا پاکي برای فعالیت به وجود بیاید.

و نوع خدماتی هم که میده مزیت دیگری هست برای این پایگاه، پخش آنلاین، امکانات جالب و ویژه انتخابات! بخش پیامک (با رعایت شرایطش) و ...

عیب هایی هم داره مثلا مشکلات فنی! عملکرد ضعیف برچسب های سایت که رنگ بالایی داره ولی برچسب هاش تقریبا کار خاصی نمی کنند



تاثیر خودش روی دیگران میگذارد حتماً. تا نتیجه شخصی رو چی تعریف کنید؟! بهترین نتیجه ای که این کارهای هنری برای من داشت، شناختی بود که از امام نقی (علیه السلام) پیدا کردم. امام مظلومی که اصلاً شناختی از من نداشتم! با همون شناخت اندک در حدی شیفته ی این امام عزیز شدم که کارهای ناچیزم و وبلاگم رو وقف حضرت کردم. ان شاء الله که باقی دوستان هم یکی از ائمه رو انتخاب کنند و فعالیت هاشونو در وب شخصیشون تقدیمشون کنند. به نظرم از حیث تبلیغاتی هم کار خوبی باشه.

نتیجه دیگرش هم لطفی بود که ائمه سر هر طرح به من می کردند. یعنی وقتی با دست خالی و بدون ایده و طرح می نشستم پای سیستم و فقط کمک از خودشون میخواستم همه کارها پیش میرفت! بعضا شده بود کار فکر شده ای رو میخواستم انجام بدم و شاید کمی غرور لابلای کار هم بود! ولی نشد که بشه!! این نتایج خودش کلی درس داره برای زندگی و همینا واسم بهترین خروجی برای کارهای گرافیکم هست.

منظورم همین نوع نتایج بود که گفتید . همونطور که می فرمایید کار برای ائمه برکات فراوانی داره .. برای تفهیم کلمات ائمه طاهرین تا چه حد کار شده ؟

خب کار که زیاد شده ! مثلاً همین انقلاب ۵۷ خودمون! و همچنان هم داره میشه ولی چیزی که هست جوایگوی میزان دشمنی دشمن نیست و در شان ائمه هم نیست. باید همه شیعه ها احساس مسئولیت کنند که حتی فرد فردشون میتوانند یک مبلغ برای ائمه (علیهم السلام) باشند حتی با کوچکترین کارها. ولی فعلاً این درک عمومی در جامعه شیعی ما شکل نگرفته و شاید غفلت باعث شده نیاز به همپین کاری درک نشود.

وظیفه یک گرافیست مذهبی چیه ؟

اساساً وظیفه ای بر گردن همه ما هست به عنوان یک فرد شیعه و پیرو اهل بیت (علیهم السلام) که نام و یاد و راهشون رو هر چی بهتر و پر رنگ تر تبلیغ کنیم و گرامی بداریم. حالا با هر استعدادی که داریم. یک نفر با متنی که می نویسه، یک نفر با صدایی که داره و مدحی که میخونه و ... این وسط طراح جماعت هم باید تا می تونه در این زمینه کار کنه، کاری که چند تا مشخصه داشته باشه هم کیفیت بالا داشته باشه و هم تا میشه رایگان باشه. چون اگر کار رایگان باشه و کیفیت خوبی هم داشته باشه نور علی نور هست و صد در صد توزیع خوبی هم خواهد داشت و صد در صد به هدف نهایی خواهد رسید.

البته ناگفته نماند که از نظر بنده ، ائمه بزرگوار به تنها چیزی که کاری ندارند کیفیت کار هست ! یعنی به نظرم براشون نهایت تلاش طرف مهم هست و نهایت توانایش! یعنی کسی که با

نهایت توانش کاری رو برای این بزرگواران انجام داده باشه فیض اکمل رو خواهد برد هر چند کیفیت تعریفی نداشته باشه.

فکر می کنید اگر کیفیت مهم نباشه تلاشی وجود خواهد داشت؟

نه اینکه کیفیت مهم نباشه! نه! ببینید وقتی فردی نهایت تلاشش رو انجام بده خود به خود پیشرفت هم باهاش همراه میشه. چه بسا طرح بی کیفیت (از حیث هنری) یک تازه کار اجر معنویش خیلی بالاتر طرح بسیار سطح بالای طراح ریاکار اون باشه! این به نظرم یک ویژگی کم نظیر هست برای کار در راه اهل بیت (علیهم السلام)

به مطالعه ی کتاب های دفاع مقدس خیلی علاقه مند هستم و کتاب های شهید مطهری رو هم واقعا دوست دارم و مطالعه کردم. به ورزش فوتبال به ویژه دروازه بان و به والیبال به ویژه یار آزاد بودن علاقه دارم

به نظرتون پوسترهای مذهبی چه تاثیری بر افکار مردم جامعه دارند ؟

پوسترهای مذهبی کم ترین تاثیرشون رو افکار جامعه همین قضیه یادآوری مناسب هست ولی اگر بخواهیم عمیق بررسی کنیم باید گفت که پوسترها بستری بسیار مناسبی دارند برای هر آنچه که میتوان در مورد ائمه (علیهم السلام) بیان کرد. از توصیف غم و غصه و مظلومیت گرفته تا شجاعت و درایت و ... را که به شرط درست طراحی شدن می توانند به خوبی به مخاطب منتقل کنند.

با وجود طراحی های فراوانی که شده می بینیم که تاثیر چندانی در فرهنگ عامه ندارند و روز به روز مشکلات بیشتری حادث میشه .. به نظرتون نباید روش ها تغییر کنه؟

خوب مسئله فرهنگ پیچیده تر از اونی هست که با یک پوستر بخواد درست بشه! ما وظیفه داریم مفاهیم رو بیان کنیم در قالب فرضا پوستر. دیگه گرفتن پیام و عمق تاثیر بستگی به مخاطب و پیشینه اش داره!! ولی من مطمئن هستم تاثیر زیادی داره روی افراد. اینو به چشم دیدم. تاثیری که مثلاً به پوستر محرم روی مخاطب گذاشت و روضه تصویری که مخاطب دید، چیزی نیست که به این راحتی از ذهن و روح و روانش پاک بشه.

روش های طراحی؟ چرا که نه! همه چیز نیازمند به روزرسانی هست! صد در صد لازمه!

با توجه به شرایط زمان چه ویژگی

های مذهبی باید به مردم منتقل بشه ؟

با توجه به زمانه نظرم اینه که باید روی مقوله آخرالزمان به ویژه شخص امام زمان (عج) پر رنگ تر کار کرد و همچنین باید در مورد ولایت فقیه فوق العاده حساس بود و همه جانبه حمایت کرد و مفاهیمی همچون جایگاه ولایت فقیه، ضرورت وجود و ... رو حتماً انتقال داد.

طراحی پوستر چقدر می تونه هدفمند باشه ؟ یعنی در این کار ، عنصر عقلانیت چقدر دخیل هست؟

خب عقلانیت شرط مهمی هست. اگر بخواهید انتظار تاثیر از کارتون داشته باشید باید به عقلانیت توجه ویژه ای بکنید. کارهای تبلیغی شیعه، اگر با احساس صرف همراه نباشد و چاشنی عقلانیت را هم داشته باشد صد در صد کارگر خواهد افتاد. نقل به مضمون سخن امام خامنه ای (مد ظله) هم هست که میفرمایند شیعه عقلانی ترین مذهب هست، چرا نباید با عنصر عقلانیت برای تبلیغش وارد شد؟!

برنامه ای برای وسیع تر کردن جامعه هدف ندارید؟

برنامه که بله داشتم. سعی داشتم پوسترهای با موضوع ائمه (علیهم السلام) و تشیع را با زبان های دیگری همچون عربی و انگلیسی کار کنم که صد در صد جامعه هدف بالاتر خواهد رفت ولی متأسفانه کم سعادت من مانع این کار شد. حتی بعضی دوستان اعلام آمادگی کردند ولی در این بخش کم کاری از خود من بود متأسفانه.

چرا گروه افسران گرافیست مثل قبل منسجم و بر کار نیست ؟

چون مدیر گروه مربوطه در آفساید نسبی تشریف دارند و به تازگی مزدوج هم شدند که جای تبریک داره شدیداً!! از همین تریبون تقاضای شیرینی هم می کنم !!!

البته این شوخی بود و صد البته کم کاری ایشون هم موثره ولی باید دقت کرد که در گروه افسران گرافیست کاری که تولید میشه حاصل ساعت ها وقت گذاشتن هست و برای همین تولیداتش از حیث تعداد واقعا نمی تواند به میزان گروه های دیگه ای مثل گروه خنده حلال و ... باشه. و البته همین زیاد زمان بردن هم باعث میشه عده ای از دوستان کم کم، کم تحرک تر بشوند و کم کم در افق جنگ نرم محو بشوند!!!

عامل دیگه بی توجهی دوستان هست به تولیدات بچه ها. به خصوص پوسترها، یعنی اغلب کاربرها تسلیم احساس می شوند یعنی یک تصویر و یک تیتر احساسی و یا یک تصویر طنز نه چندان مناسب رو ترجیح میدهند برای رای دادن نسبت به پوستر که ساعت ها برای کوچکترین قسمتش وقت گذاشته شده !! حالا اگر این این پوستر توسط یک فرد نا آشنا و تازه عضو شده هم باشه که دیگه فاتحه!

...



البته بنده به سهم خود سعی کردم همیشه قوی تر از قبل فعالیت کنم و حس می کنم پروفایلم شاهد این ادعاهام باشه که تا الان هر چه که در توان داشتم با لطف خدا و کمک ائمه (علیهم السلام) به خصوص امام نقی (علیه السلام) به مرحله ی اجرا گذاشتم.

این مقایسه رو نسبت به وضعیت قبلی گروه عرض کردم نه در مقایسه با گروه های دیگه ... ظاهراً عامل اصلی کم کاری ها ، نداشتن انگیزه هست .. برای ایجاد انگیزش فکر هم کردید؟

انگیزه میتونه یه بخشی از علت باشه که باز هم قسمتی از همین فاکتور برمیگرده به نحوه برخورد سایر اعضا با تولید کنندگان محتوا. چه خوبه کاربرانی که تولید محتوا نمی کنند حداقل تولید کنندگان محتوا رو دریابند و تشویق کنند.

ولی جوهره ی انگیزه باید در ذات خود طرف باشه. باید طرف ببینه برای چی داره کار میکنه! فرضاً اگر کار برای خدا و ائمه (علیهم السلام) هست که اجرش محفوظ هست پس انگیزه هم کم نمیشه که زیادتر هم میشه. برای ایجاد انگیزه مسابقه شاید تنها کار انجام شده بود که البته موثر بود و صد البته موقتی و حکم مسکن داشت بیشتر! چاه باید خودش آب داشته باشه به نظرم!

برای تغییر در شیوه های طراحی و اثرگذاری بیشتر و تعیین موضوعات مبتلابه چه فکری کردید؟

با همت مدیر زحمت کش گروه افسران گرافیکت و تعدادی از دوستان یک سری جلسات قرار افسرانی در حوزه گرافیک تشکیل میشه که فعلاً یک جلسه اش در قم برگزار شد و برای خود من خیلی مفید بود و منشا برکت و پیشرفت. انگار جلسه دوم هم در راه است!!

با توجه به علاقتون به کار هنری برای ارشد در همون رشته کارشناسی شرکت کردید یا تغییر رشته دادید؟

نه همچنان در رشته برق شرکت کردم و قصد دارم همین رشته رو ادامه بدهم اگر بشه و خدا بخواهد.

غیر از گرافیک چه علائق دیگه ای دارید؟

شدیدا به شنیدن مدح ائمه (علیهم السلام) و ترجیحاً نوای حاج محمود! علاقه مندم. به خواندن شعرهای مذهبی علاقه دارم. به مطالعه ی کتاب های دفاع مقدس خیلی خیلی علاقه مند هستم و کتاب های شهید مطهری رو هم واقعا دوست دارم و مطالعه کردم. به ورزش فوتبال به ویژه دروازه بانی و به والیبال به ویژه بار آزاد بودن علاقه دارم .

خیلی خوبه که اهل ورزش هم هستید

.. به نظرتون ورزش برای اهالی فضای مجازی چقدر اهمیت داره؟

خب خیلی در روحیه فرد تاثیر گذار خواهد بود. یک فعال مجازی هر چقدر هم که خوب کار کنه اگر فعالیت بدنی یا همون ورزش رو در کنارش نداشته باشه هم از حیث سلامتی دچار مشکل خواهد شد و هم روحیه اش به مرور نابود خواهد شد. باید با ورزش نشاط لازم رو ایجاد کرد.

مدیریت جهادی در عرصه فرهنگ یعنی بدائیم دشمن قصد حمله به فرهنگ ما را کرده است و ما سعی در بازپس گیری هر چه سریعتر سنگرهای فرهنگی از دست رفته داشته باشیم

به عنوان یک فعال فرهنگی ، فرهنگ جامعه رو چطور ارزیابی می کنید؟

خب این سوال خیلی کلی ای هست. چیزی که من میبینم در مقایسه با قبل و به طور دقیق تر زمان جنگ و زمان شهدایی که بارها در کتاب ها شریاطشون رو خوندم خیلی پسرفت کرده است. البته این رو هم باید در نظر گرفت که اون موقع دشمن به خاک ما حمله کرده بود ولی الان مستقیماً به فرهنگ ما!

در کل شرایط خوبی نداریم در حوزه فرهنگ، ارزش ها داره کم رنگ و بعضاً معکوس میشه!! و حمله ی بالایی هم داریم! باید فعالان این حوزه همونطور که رهبری عزیز گفتند با قدرت ادامه بدنند. مطمئناً رهبری احساس خطر کرده اند که امسال رو اینگونه نامیده اند. مخصوصاً با این وزارت جدید که فاتحه فرهنگ اسلامی در آن را باید خواند! فیلتر نشیم یا دادگاهی؟!

مدیریت جهادی در عرصه فرهنگ یعنی چی؟ چقدر با این نوع مدیریت فاصله داریم؟

مدیریت که در سطح ما نسبت البته اگر ما بشه بسیار کم رنگ هست، به نظرم باید عزم ملی رو ما تقویت کنیم و مدیریت رو از مسئولان بعضاً بی بخارا! انتظار داشته باشیم!! به طور کلی در جامعه ی فعلی با مفهوم مدیریت جهادی فاصله زیادی داریم . تا وقتی هم که مسئولان مربوطه به خودباوری لازم نرسند چیزی درست نخواهد شد.

مدیریت جهادی در عرصه فرهنگ یعنی بدائیم فعلاً دشمن قصد حمله به فرهنگ ما را کرده است و اقدامات زیادی انجام داده و سعی در بازپس گیری هر چه سریعتر سنگرهای فرهنگی از دست رفته داشته باشیم و سپس به فکر حمله باشیم. البته اینها نیازمند این هست که فرد در راس امور فرهنگی در درجه اول دغدغه هایی مهمتر از رفع فیلتر فیسبوک داشته باشد!! داره؟!

آیا مدیریت جهادی فقط مربوط به مسئولین هست یا به بقیه هم مربوط میشه؟

خب پر واضح هست که اینگونه نیست و همه باید سعی کنند مدیریت جهادی داشته باشند در هر زمینه ای ، مخصوصاً فرهنگ. ولی چیزی که بسیار تاثیر گذار تر خواهد بود و نقشی که بسیار پر رنگ تر خواهد شد، مدیریت جهادی ای هست که از سوی مسئولان سطح بالا انجام بشه. البته زمینه ساز این مدیریت جهادی از سوی مسئولین عزم ملی مردم هست.

وظیفه ما به عنوان افسر جنگ نرم در این عرصه چه هست؟

باید صحنه را دید، اتفاقات را دید، موقعیت را شناخت و در زمان مناسب اقدام کرد. باید تخصص و اطلاعات را بالا برد تا بتوان بهتر و موثر تر حرف زد. باید از خط قرمزهای انقلاب اسلامی به شدت نگهداری کرد. و در نهایت این جمله از زبان امام خامنه ای که می فرمایند: « در جنگ نرم، هدف آن چیزی است که در دل شماست، در ذهن شماست، در مغز شماست؛ یعنی اراده ی شما. دشمن می خواهد اراده ی شما را عوض کند. می خواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استخبار، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرفها باید دست بکشیم؛ در مقابل این، افسر جنگ نرم باید مقاومت کند.»

۹۱/۵/۱۶ بیانات در دیدار دانشجویان

و اما حرف آخر ..؟

امیدوارم ما به عنوان افسران جوان جنگ نرم، ضرورت این میدان را درک کنیم و حتی به نسل بعد خود هم انتقال بدهیم. به هر حال اگر دیروز دفاع به صورت سخت انجام می شد. امروز هم باید انجام شود منتها در عرصه ی فرهنگ و به صورت نرم و توسط من و شما! یعنی ما همچنان در جنگ و ادامه دهنده راه آن رزمندگان دیروز هستیم ان شاء الله. پس باید با جدیت صحنه را دریابیم.

در نهایت از زحمات شما برای نشریه تشکر می کنم. واقعا جمع و جور کردن یک نشریه کار طاقت فرسایی هست. همین مصاحبه هم کم زحمت نداشت انصافاً. وقت زیادی باید گذاشته بشه. خسته نباشید میگم خدمت شما همچنین همه اعضای نشریه مخصوصاً آقای پسندیده که دیدم چه زحماتی رو متحمل میشوند. ان شاء الله که من و دوستان بتوانیم قدردان این زحمات باشیم. با تشکر

از نظر لطفتون و از وقتی که در اختیار نشریه قرار دادید سپاسگزارم . براتون آرزوی موفقیت بییش از پیش داریم .



احکام

ج: به نام خدا بستن شیرآب هنگام شستن صورت دست ها کار پسندیده و بجایی است. هنگام شستن دست چپ پیشنهاد میکنم که بلافاصله پس از ریختن آب روی دست و قبل از شستن آن شیرآب را ببندید تا مشکلی برای وضوتان پیش نیاید.

به صورت کلی عرض کنم اگر هنگام مسح سر و پاها رطوبتی خارج از آب وضو به دست ها برسد، اگر این رطوبت بر آب وضو غلبه کند و بیشتر از آن باشد وضو را باطل می کند و اگر کمتر از آن بوده و بر آن غلبه نکند اشکالی در وضو ایجاد نمی کند. آیت الله مکارم شیرازی

سوال : من گاهی هنگام وضو گرفتن بعد از اینکه دست چپ خودم را می شویم ، دستم را زیر شیر آب می برم و بعد مسح میکشم، آیا این کار اشکال دارد؟

ج: اگر شما از آب غیر اضافه ی وضو استفاده می کنید ، این کار اشکال دارد ولی اگر این کار را به نیت وضو انجام می دهید اشکالی ندارد. شما سعی کنید این کار را ترک کنید. حاج آقای فلاح زاده

سوال : شرکت در مسابقات پیامکی و دریافت جایزه از آن به لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

ج: اگر هزینه های افزونتر از هزینه های معمولی پیامک از افراد کم نشود و هزینه جایزه بر اساس جمع آوری پولهای کسر شده نباشد اشکالی ندارد. اگر علاوه بر هزینه معمول پیامک، پولی بابت شرکت در مسابقه از افراد کسر شود و از پولهایی که از افراد کسر شده جایزه تهیه کنند، حرام است.

امام خامنه ای

ارسال کننده : ghalandar

سوال : بستن شیر آب در حال وضو چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اشکال ندارد.

امام(ره)، استفتاءات، ج ۱، س ۳۴؛ العروة الوثقی، ج ۱، افعال الوضو، م ۴۳؛ نوری،

استفتاءات، ج ۲، س ۴۳؛ امام خامنه ای، اجوبه، س ۱۱۲

تبصره: بعد از آنکه شستن دست چپ تمام شد، اگر به شیر آب دست زده شود و آب وضو به رطوبت شیر غلبه نکند و با آن مسح انجام گیرد، وضو باطل می شود لذا بهتر است همیشه بعد از آب ریختن روی صورت یا دست ها و دست کشیدن، نخست شیر آب بسته شود و سپس روی صورت یا دست ها، دست کشیده شود.

العروة الوثقی، ج ۱، افعال الوضو، م ۵

سوال : اگر شخص وضوگیرنده، هنگام شستن دستها و

صورت به قصد وضو اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید، این کار او چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه ای نمی زند. ولی اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن،

دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دست با آب خارج از وضو مخلوط شود،

صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است، محل اشکال می باشد. امام خامنه ای

سوال : با سلام و خسته نباشید آیا در هنگام

وضو گرفتن که همزمان شیرآب باز است و هنگامی که دست چپ را میشویم در این

هنگام شیرآب را بسته و بعد بلافاصله مسح سر بکشیم؛ آیا بستن شیر باعث باطل شدن

وضو میگردد، چون برای کاهش مصرف آب انجام میگیرد، انجام میدهیم . یا بگذارم

وضو را کامل بگیرم بعد شیر آب را ببندم؟ با تشکر از شما



بعثت نمايش عشق خدا بر انسان

بعضی واژه‌ها در اثر استفاده زیاد، رنگ عادت به خود می‌گیرند و همین باعث می‌شود کمتر به عمق آن توجه کنیم. مثل واژه بعثت که صد البته فراتر از یک کلمه است.

نفس اتفاق بعثت به خودی خود بسیار زیبا و قابل تأمل است. زیرا یادمان می‌اندازد چرا انسان اشرف مخلوقات است! و به چه جایگاهی می‌تواند عروج کند!

بعثت نشان می‌دهد که خداوند چقدر به انسان امیدوار است و این پتانسیل را در او قرار داده تا بتواند مخاطب خاصش باشد. در واقع بعثت نمایش عشق خداست به انسان و فریاد می‌زند: ای انسان! ببین خداوند تو را چقدر دوست دارد که می‌خواهد خلیفه اش بر روی زمین باشی و فراتر از مرزهای قابل تصور، حرکت کنی. (حذف علامت تعجب)

بعثت گواه حداکثری ترین ارتباط بین انسان و خداست و نقطه عطفی در مسیر حرکت آدمی به سوی کمال در تمام حوزه‌ها که محدود به زمان و جغرافیای خاصی نمی‌شود.

بخصوص بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) که در سیاه‌ترین برهه تاریخ بشر، عصر جاهلیت، اتفاق افتاد و تحولی بزرگ را در تمام عرصه‌ها متولد کرد. و بی‌تردید می‌تواند در جاهلیت‌های دنیای مدرن ما هم راهگشای بزرگی باشد. فقط لازم است آن را به خوبی بشناسیم و به خوبی معرفی کنیم.

برای شناخت و شناساندن عظمت و تاثیرگذاری بعثت حضرت رسول اکرم (ص)، لازم است از خودمان که پیروان این رسول مهربانی‌ها هستیم، شروع کنیم.

باید بدانیم که آنچه بعثت ایشان را نسبت به سایر پیامبران پررنگ‌تر کرده است، ویژگی خاص ایشان و هدف از بعثتشان است. همانگونه که خودشان فرمودند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»... من مبعوث شدم برای تکامل مکارم اخلاقی... (ذکر منبع کنز العمال، حدیث ۵۲۱۷۵ (جلد ۳، صفحه ۱۶))

پس عامل باشیم به مکارم اخلاقی که به خوبی در دستورات دین مبین اسلام تعریف شده، تا ما هم بتوانیم همچون رسول اکرم (ص) در قلب‌ها نفوذ کنیم و پیام بعثت ایشان را به جهانیان برسانیم.

بدانیم که امروز هم تنها عامل نجات بشریت مکارم اخلاقی است که زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری جامعه تکامل یافته انسانی با رهبری امام مهدی (عج) را فراهم می‌کند. حذف یقین در اول جمله و همچنین بستر دل‌هایمان را که چه بسیار بد عادت شده‌اند به غیبت امام علیه السلام، برای پذیرش پرتو نور آسمانی ایشان آماده‌تر می‌کند.

نویسنده : hamideh bv



گرافیک اطلاع رسانی



برای دانلود اندازه بزرگتر از نشانی زیر استفاده کنید:
<http://bayanbox.ir/id/4476105986595715361?view>

زندگینامه امام هادی (علیه السلام)

و پاسخ ایشان به چنین شبهاتی، اولا اصالت و حقایقت مواضع شیعه را نشان می داد و ثانیاً مسلمین را از گرفتاری در دام چنین شبهاتی حفظ می کرد.

پرواز به سوی دوست امام هادی(علیه السلام)، در سوم رجب سال ۲۵۴ ه ق، به شهادت رسید. «حمد بن داود» می گوید: «اموال بسیاری را که خمس و نذورات مردم قم بود، با خود به قصد تحویل دادن به ابوالحسن می بردم. هنگامی که رسیدم، مردی که بر شتری سوار بود، پیش من آمد و گفت: ای احمد بن داود و «ای محمد بن اسحاق»، من حامل نامه ای از سرور تان، ابوالحسن هستم که به شما نگاشته است: من امشب به سوی بارگاه الهی رخت بر می بندم. پس احتیاط کنی تا دستور فرزندم، حسن(علیه السلام) به شما برسد. ما با شنیدن این خبر بسیار ناراحت شدیم و گریستیم، ولی این خبر را از دیگران که با ما بودند، مخفی داشتیم...»

مراسم تشییع و خاک سپاری بازتاب خیر شهادت پیشوای شیعیان، قلب ستم دیده مردم را جریحه دار کرد. شهر یکپارچه در سوگ آموزگاری بلند اختر و پدری مهربان برای مستمندان و یتیمان نشست. در روز شهادت امام، جماعت بسیاری از بنی هاشم، بنی ابی طالب و بنی عباس در منزل امام جمع شده بودند و شیون و زاری سراسر خانه را آکنده بود. مردم به صورت های خود سیلی می زدند و گونه های خود را می خراشیدند. بدن مطهر امام هادی(علیه السلام) را بر دوش گرفتند و از خانه ایشان بیرون بردند و از جلوی خانه «موسی بن بغا» گذشتند. وقتی معتمد عباسی آنان را دید، تصمیم گرفت برای عوام فریبی، بر بدن امام نماز بگذارد. از این رو، دستور داد بدن مطهر امام را بر زمین گذاشتند و بر جنازه حضرت نماز خواند، ولی امام حسن عسکری(علیه السلام) پیش از تشییع بدن مطهر امام(علیه السلام) به اتفاق شیعیان بر آن نماز خوانده بود. سپس امام را در یکی از خانه هایی که در آن زندانی بود، به خاک سپردند. ازدحام جمعیت به قدری بود که حرکت کردن در بین آن همه جمعیت برای امام حسن عسکری(علیه السلام) مشکل بود. در این هنگام، جوانی مرکبی برای امام آورد و مردم امام را تا خانه بدرقه کردند. «ابو هاشم جعفری» که از نزدیکان امام هادی(علیه السلام) بود، نیز قصیده ای در ثنای امام خود خواند.
 نویسنده: shiaart

به ائمه علیه السلام بی احترامی کنند. اکثر سادات جلیل القدر آن زمان را دستگیر و زندانی کرده بود. از هولناکترین اقدامات او در دوره ی حکومتش، انهدام و تخریب مرقد امام حسین علیه السلام بود. اوضاع معیشتی مردم و خصوصاً علویان در زمان خلفای عباسی مخصوصاً متوکل و بقیه ی خلفای هم عصر امام هادی علیه السلام، بسیار دشوار بود زیرا آنان بیت المال مسلمین را صرف خوشگذرانی هایی می کردند که به گواهی تاریخ، هزینه های مربوط به آنها بی سابقه بوده است. فعالیت های امام (علیه السلام) امام هادی علیه السلام با این که شدیداً تحت نظر بود، اما از پای نشنست و فعالیت های خود را به شیوه ای مطابق اوضاع زمان خویش به پیش برد. از مهمترین فعالیت های ایشان این بود که به مردم از راه های گوناگون آگاهی داده و منصب امامت و مقام علمی خود را در طی سخنان خویش و در مناظرات



و پرسش و پاسخ های علمی، آشکار کرده و تثبیت کنند. همچنین عدم مشروعیت حکومت بنی عباس را تبیین می کردند. یکی دیگر از محورهای فعالیت امام، آماده کردن مردم و شیعیان نسبت به غیبت حضرت مهدی علیه السلام بود. البته ایشان با نهایت احتیاط و جلوگیری از حساس شدن حکومت، این موضوع را به طور سرپسته در ضمن سخنان خویش ذکر می فرمودند. وضعیت علمی زمان امام (علیه السلام) در حکومت بنی عباس از طرف خلفا به مسائل علمی و فرهنگی تمایل نشان داده می شد. در این زمان بسیاری از کتب سایر ملل به عربی ترجمه شد و همین امر موجب شد افکار مردم و اوضاع علمی جامعه متحول شود. همچنین مکاتب کلامی مانند اشاعره و معتزله رونق گرفته بود و شبهاتی مانند جسمیت خداوند، جبرگرایی مطلق یا اختیار مطلق، حادث یا قدیم بودن قرآن و... مطرح می شد که موضع گیری امام هادی علیه السلام

پیشوای دهم شیعیان حضرت امام هادی علیه السلام در سال ۲۱۲ ه.ق در شهر صریا (نزدیک مدینه) دیده به جهان گشود. پدر ایشان حضرت امام محمدتقی جواد(ادامه علیه السلام و مادرشان بانویی فاضله و عقیقه به نام سمانه است. نام مبارک ایشان علی از القابشان نفی، هادی و نجیب؛ و کنیه شان ابوالحسن می باشد.

مدت امامت ایشان حدود ۳۴ سال است یعنی از سال ۲۲۰ ه.ق (سال شهادت امام جواد علیه السلام) تا سال ۲۵۴ ه.ق که در شهر سامرا به شهادت رسیدند. پس از شهادت، امام حسن عسکری علیه السلام بر پیکر مطهر پدر خویش نماز گزارد و پس از تشییع جنازه، ایشان را در منزل خویش به خاک سپردند. در مورد شهادت امام هادی علیه السلام و قاتل آن حضرت اختلاف است: برخی معتمد عباسی را قاتل آن حضرت میدانند (یعنی این واقعه در زمان خلافت معتمد رخ داده است) و به عقیده ی برخی دیگر معتز عباسی، فرمان قتل آن بزرگوار را صادر و معتمد آن را اجرا کرد. (یعنی این واقعه در زمان خلافت معتز روی داده است.)

اوضاع سیاسی زمان امام هادی (علیه السلام) امام علی النقی الهادی علیه السلام در سال ۲۲۰ ه.ق به امامت رسیدند. در این زمان ایشان در مدینه بودند و در آنجا به مدت ۱۳ سال وظایف امامت خود را انجام می دادند؛ مردم از این سرچشمه ی حیات معنوی و علمی و فکری سیراب می شدند و ایشان نیز به همه ی امور شیعیان رسیدگی می کردند تا این که متوکل (خلیفه ی وقت) که در دشمنی با ائمه اطهار علیه السلام مشهور بود؛ به خاطر هراسی که از نفوذ و محبوبیت امام علیه السلام در جامعه داشت ایشان را از مدینه به سامرا فراخواند زیرا احساس می کرد که باید امام را از نزدیک تحت نظر بگیرد. پس از آمدن امام به سامرا، اگرچه ایشان ظاهراً آزاد بود اما «متوکل» منزلشان را طوری انتخاب کرده بود که همواره تحت نظر باشند. او به طور مرتب دستور تفتیش منزل ایشان را صادر می کرد و تمام دیدارها و رفت و آمدها توسط نیروهای حکومتی کنترل می شد. او جو بسیار خفقان آمیزی را بر جامعه حکمفرما کرده بود و سختگیری و فشار زیادی را بر شیعیان اعمال می کرد؛ علویان را در محاصره ی اقتصادی قرار داده بود. به شاعران درباری مال فراوانی می داد تا در اشعار خود





اشعار افسرانی

دیده به بهت رخ زیبای توست
شمس جهان! مه به تماشای توست

من به جنون شهره دنیا شدم
مستی عشق فطرت صهبای توست

شامه‌نوازی کند عطر نگار
گلشن دل منزل و مأوای توست

مدح و ثناگویی تو کار من
هر ورق از دفتر جان جای توست

نیمه‌ی ماه احمدی (ص) چون رسد
صحبت میلاد فرح‌زای توست

شهر دل است مدینه فاضله
جمله‌ی ادیان به تمنای توست

نغمه‌ی برپایی عدلت به گوش
می‌رسد آن دم که مهیبای توست

حیلت و ظلم گشته کنون توأمان
منتظرت گوش به فتاوای توست

پیرو تو کی بنشیند خموش
جان به تعالی و به سودای توست

ندبه هر جمعه شفای تب است
جهد به عدل بهر تسلائی توست

ای ولی شیعهنواز زمان
طاقت طاقم به تقاضای توست

در غزل عشق تو یافت زندگی
این دل گمگشته که عنقای توست

شاعر: ostadnovin



چیزی شبیه آینه اینجا نمانده است
در قصه‌ها حکایت فردا نمانده است

در غربت و سکوت و گذر از دل کبود
حتی صدف به ساحل دریا نمانده است

دلواپس دقایق و حرفی ز انتظار
آخر چرا به دفتر دنیا نمانده است

در انتهای کوچه بن بست آرزو
دیگر بجز سکوت و تمنا نمانده است

باران گرفت و کوچه پر از انتظار شد
اینجا بجز عنایت مولا نمانده است ...

شاعر: montazere0313

دل‌م گرفته از این روزگار حیرانی
و غم بیخبر آمد دوباره مهمانی

برای خاطره‌هایی که بی تو می‌میرند
و انتظار غریبی که هست طولانی

تمام ثانیه‌ها از سکوت لبریزند
و بی تو می‌شکند بغضهای پنهانی

هنوز حرف دل‌م را نگفته‌ام اما
نمانده فرصتی انگار تو خوب میدانی

بیا و فاصله را از میان ما بردار
ببین به انتها رسیدم، به خط پایانی

شاعر: montazere0313

طلوع سبز تو را نشانه می‌گیرد
فقط حضور تو در دل خانه می‌گیرد
سرود آمدنت را ترانه می‌گیرد
امید سبز تو در دل جوانه می‌گیرد
گاه که دل ز دست زمانه می‌گیرد

شاعر: montazere0313

قناری دل‌م امشب بهانه می‌گیرد
در آسمان نگاهم خیال دیگر نیست
پرنده با نگرش مژده‌ی سحر دارد
تمام کوچه پر از نوبهار خواهد شد
عبور ثانیه هر شب حکایتی دارد

توسعه‌یافته‌ها

مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت درباره ماهیت رابطه ایران اسلامی با کشورهای غربی اینگونه تاکید می‌کنند: «آیا ما به دنیای آن‌ها محتاجیم یا آن‌ها (کفار) به دنیای ما؟»

اگر آن‌ها به دنیای ما محتاج نیستند پس چرا این همه برای تسلط بر ما و معادن ما، با هم همراهی می‌کنند؟ آن‌ها ابتدا دین را از ما می‌گیرند و از همان‌ها به ما وام می‌دهند و نزول می‌گیرند و یا به صورت صدقه بر ما منت می‌گذارند»

هم جنسی و هم شکلی و اختلاط با کفار، تسلط و حکومت آن‌ها را بر مسلمانان آسانتر می‌سازد.

خدا نکند حرام در نزد انسان زینت داده شود! این یک بیماری قلبی است که انسان به آن مبتلا می‌شود، و با وجود راه‌های حلال که نیازش را برآورده می‌کند، خود را به حرام گرفتار می‌نماید! اگر می‌خواهید از ناحیه دعا به جایی برسید، زبان حالتان این باشد: تسلیم خدا هستیم، هر چه بخواهد بکند، بنا داریم عمل به وظیفه بندگی کنیم.

برای اداره تمام جهان کافی است که انسان، عاقل و مؤمن و متدین باشد. دیانت و عقل، برای اداره کره زمین کفایت می‌کند

راستگویی، در دیدن رؤیای صادقه و صفای روح خیلی مؤثر است. اگر از قرآن استفاده نمی‌کنیم، برای آن است که یقین ما ضعیف است. هر که عمل کرد به معلومات خودش، خداوند مجهولات او را معلوم می‌فرماید! نماز شب، مفتاح توفیقات است

تا رابطه ما با ولیّ امر: امام زمان (عج) قوی نشود، کار ما درست نخواهد شد. و قوّت رابطه ما با ولیّ امر (عج) هم در اصلاح نفس است.

ارسالی توسط : Afsarejavan



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳



دلالتی



اینجا فلسطین است ولی، ما در سرزمین خودمان نه خانه ای داریم و نه حتی غذای خوب...
آیا حرف هایم را می فهمند؟ و می گویند حقوق بشر؛
حقوق بشر داشتن میکرده و آزادی بندهای حیوانیت است، حقوق بشر حقوق سگهایی هست که تنهای
تنها در سیاهی شب عو عو می کنند. شاید گاهی حقوق بشر حقوق مردمانی از جنس قوم لوط است. و
شاید حقوق بشر حقوق کسانیست که از عربانی خواسته های حیوانی خویش رنج می برند!!
حقوق بشر، حقوق انسان نیست! حقوق مردمان بی دفاع نیست. حقوق بشر حقوق سیاه و سپید نیست!
حقوق مردمی از جنس بشر نیست! حقوق بشر؛ حقوق طفیلانی گم شده در لجن زار قدرتهاست.
و گرنه چگونه می شود که این کودکان بی گناه زیر چکمه های ظلم و نفرت له شوند؟
و چگونه می شود که به جای خوابیدن در رخت خوابهای گرم و نرمشان،
سر بر خاکهای سرد گور بگذارند؟
و چگونه با این همه درد و رنج، فراموش می شوند؟
روی بمبهایشان نامه های عاشقانه می نویسند! برسد به دست کودکانی چون من؟...
آهای ای جوامع بین الملل؛ آهای مسلمانان؛ بیاید سکوت کنیم به احترام یوم النکبه! ... باز هم سکوت
کنید، تا بیشتر از دردهای قلبمان، جگرهایمان بسوزد. این روز بشر از مغز تب می کند و میترسم
منزیت بگیرد و همه آنچه بر ما گذشت، از یادش برود.
دیوار حائل نمی دایم چیست، برایم هیچ دیواری معنا ندارد.
شام پرستوهای قدس، که کوچ کردند، درد بود و درد هست... کرانه باختری هنوز در عطش حریت است.
ما و غزه و قدس و فلسطین، تا ابد نفس می کشیم، و می مانیم،
اما چگونه مسلمان بی تفاوت قلبش می زند؟
با زبان سکوت می خواهیم حرف بزنم، زبانی که فقط سکوت می فهمد!
می خواهیم از دردهایم بگویم از رنجهایم از مرگ آرزوهای کودکی ام میان این دیوارها، از خستگی، از
بوران، از طوفانهای درون مغزم، از تشویش، از زخم، از دردی که بغض همیشگی گلویم هست!
آه ای سکوت؛ مردم از بس تو را به عمق گلویم فرو بردم!
خدایا تو ناجی بی نوایان و غریبان هستی.
سالها عبادت می کنیم و رنج دنیا را نمی فهمیم! معتکف می شویم
و نمی دانیم آتش افروخته ی جنگ، چگونه بشر را می سوزاند؟!
منجی اگر نمی آید می داند که بعضی ها به لباس ابلیس ملبس شده ایم، می خواهیم دوهزار سال با خدا
عشق کنیم و سجده بر امر خدا نمی کنیم! این بی خیالی و بی غیرتی؛ نفس ماست، نه عاشقی و عاکفی...